هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

یادی از یک حماسه

ص۲

از عجایب کلی روزنامهٔ ملی انیس!

(شمارهٔ چهارشنبه ۴ جوزای ۸۴)

ص۷

افغانستان جغرافیای سیاسی شهدا

ص۳

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۱۰ | چهارشنبه ۱۱ جوزا ۱۳۸۴ | ۲۳ ربیع الثانی ۱۴۲۶- 1 June 2005

حامد کرزی در بازگشت از امریکا در یک کنفرانس گفت:

تفاهم نامهٔ استراتژیک آمریکا و افغانستان کشور ومنطقه را به طرف صلح و امنیت می برد

حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان پس از سفر شش روزه به ایالات متحدهٔ امریکا و دیدار با جورج دبلیو بوش رئیس جمهور ودیگر مقامات آن کشور شب جمعه ۷ جوزا به وطن برگشت.

حامد کرزی هنگام اقامتش در امریکا تفاهم نامهٔ استراتژیک رابا آن کشور به امضارسانید.

آقای کرزی پس از بازگشت از سفر امریکا در یک کنفرانس خبری اشتراک نمود و در مورد نتایج سفرش توضیحات داد. وی گفت: پس از ایجاد پارلمان همچنان نیاز به کمک های جامعهٔ جهانی داریم. ما تقاضای همکاری دوامدار از جامعهٔ اروپا، پیمان ناتو و ایالات متحده امریکا در بازسازی افغانستان کرده ایم که خوشبختانه امریکا به همکاری هایش به افغانستان متعهد می باشد. آقای کرزی در مورد امضای تفاهم نامهٔ همکاری میان دو کشور گفت:

این تفاهم نامه افغانستان ومنطقه را به طرف صلح و امنیت تشویق می کند این سند به افغانستان اطمینان می دهد که دیگر مداخلات بیرونی در این کشور جا ندارد و جلو هر گونه مداخله گرفته می شود.



حامد کرزی در مورد نقش این سند در بهبود ثبات و روابط میان همسایگان گفت:

امضای این سند باعث بهبود صلح و ثبات درمیان کشورهای همسایه و در منطقه به اساس احترام متقابل و ارزش های قبول شده می باشد.

به جرم قتل یک مرد

دو مرد و یک زن محکوم به اعدام گردیدند

دیروز در جلسهٔ علنی محکمه ابتدائیهٔ ناحیهٔ دهم شهر کابل دوسیه های محمد شاکر مشهور به رامین فرزند عبدالشکور، رونا فرزند خالقداد و اختر محمد فرزند عبدالغفار که به اتهام قتل دگروال حاجی عبدالشکور از جانب مسؤولان امنیتی دستگیر گردیده بودند بعد از غور همه جانبه محمد شاکر مشهور به رامین در قضیهٔ شراب نوشی طبق مادهٔ ۳۴۵ قانون جزا به مدت شش ماه حبس و در قضیهٔ قتل پدرش عبدالشکور مطابق مادهٔ ۳۹۵ قانون جزا به اشد مجازات، اعدام محکوم گردید.

هم چنان رونا (خانم عبدالشکور) و اختر محمد شرکای جرم نیز مطابق مادهٔ ۳۹۵ قانون جزا به اشد مجازات، اعدام محکوم گردیدند.

گفته شده است که یک تن از شریکان جرم تا حال گرفتار نشده است.

اعلامیهٔ مشترک، تفاهم نامه یا موافقتنامه

ص۲

طالبان رئیس شورای علمای قندهار را به قتل رساندند

روز دوشنبه ۹ جوزا رئیس شورای علمای قندهار مولوی عبدالله فیاض در یک حملهٔ انتحاری از سوی طالبان به قتل رسید.

مولوی عبدالله فیاض یکی از عالمان برازندهٔ ولایت قندهار بود. او از مخالفان آشتی نا پذیر طالبان تلقی می شد و همیشه کارنامه های آنان را مورد نقد قرار می داد و در جهت تحکیم حاکمیت دولت و نابودی طالبان تلاش می ورزید. مولوی عبدالله فیاض درمیان مردم از نفوذی گسترده یی بهره ور بود.

وی چندی قبل شماری فراوان از علمای چندین ولایت جنوب و جنوب غرب را گردهم آورده بود و به مشروعیت نظام حکومتی و عدم مشروعیت فعالیت های طالبان تأکید ورزید.

این قتل از سوی بسیاری از رهبران افغانستان مورد تقبیح قرار گرفت.

استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در یک تماس تلفنی با مجاهد این عمل تروریستی طالبان را محکوم کرد و آن را در خدمت دشمنان اسلام و افغانستان خواند و خدمات مولوی فیاض را ستود و برای خانواده اش اظهار همدردی نمود.

رئیس جمهوری اسلامی افغانستان آقای کرزی نیز این عمل بزدلانهٔ طابان را محکوم کرد و عاملان آن را مزدور بیگانگان دانست.

وزیر امور زنان به جای اورشلیم پوست مجاهد را متهم به توطئه بر ضد خودش کرد

مجاهد در شمارهٔ پیشینش (چهارشنبه ۴ جوزای ۱۳۸۴) خبری را زیر عنوان "وزیر امور زنان خواستار روابط دوستانه با اسرائیل شد" به نشر رسانید. این خبر به استناد رادیوی آزادی در برنامهٔ خبری قبل از ظهر روز پنجشنبه (۲۹) به نقل از روزنامهٔ انگلیسی زبان اورشلیم پوست اسرائیل تهیه گردیده بود.

هرچند پخش این خبر منحصر به مجاهد نشده است چندین نشریهٔ دیگر هم آن را بازتاب داده اند ولی خانم مسعوده جلال و شوهر ایشان آقای فیض الله جلال هرچه خشمی از این باب عاید شان گردیده بر سر مجاهد فرو ریخته اند.

آقای فیض الله جلال با چندین تماس تلفنی با کارمندان وبستگان مجاهد و خانم مسعوده جلال با ارسال نامه یی ضمن نثار دشنام ها و ناسزا گفتن ها، مجاهد را به دلیل نشر این خبر متهم به توطئه سازی بر ضد خودش کرده است.

مجاهد در این کار عملی خلاف انجام نداده است و اگر توطئه یی بر ضد خانم مسعوده جلال در کار باشد عامل آن نه مجاهد و رادیوی آزادی و نه هم رسانه های دیگر است که این خبر را گزارش کرده اند چون این ها کاری بیشتر از روایت یک خبر انجام نداده اند، منبع خبر را یاد کرده اند که عبارت از اورشلیم پوست می باشد. بسیار شایسته بود که خانم مسعوده جلال به جای تاختن به مجاهد و نشریه هایی که این خبر را چاپ کرده است به اورشلیم پوست و خبرنگار آن که با وی مصاحبه انجام داده است می تاخت و او را به توطئه برضدش متهم می کرد. همه سایت های اینترنتی ونشریه هایی که این خبر را نشر کرده است آن را به اورشلیم پوست و خبرنگار آن "اورلی هلپرن" نسبت داده اند.

قرار بود، در این جا یک نامهٔ دشنام آمیز خانم مسعوده جلال را ص۶

افغانستان جغرافیای سیاسی شهدا

ص۳

آدرس

مجاهد

در اینترنت

Website:

www.mujahid1357.com

***

E-mail:

Mujahid1357@Yahoo.com

زندان کمونیستی در خاطره های زندانیان

ب به تاریخ ۸ و ۱۴ جوزای سال ۱۳۵۸ خورشیدی شمار زیادی ازپیشتازان زندانی نهضت اسلامی افغانستان بدون محاکمه و به جرم مسلمان بودن و دفاع از آزادی افغانستان اعدام و شهید گردیدند. خبرنگار جریدهٔ مجاهد با تنی چند از زندانیان روز گار حاکمیت کمونیست ها گفت و گپی انجام داده است که فشردهٔ آن به ملاحظه می رسد.



عبدالجلال جلال



خیر محمدمسکین یار



غلام محمد



محمد شریف جویا



شاه ولی حق پرست

عبدالجلال جلال رئیس کمیسیون روابط بین المللی شورای عالی آزادگان، یکی از این زندانیان بوده است که می گوید:

من سه دوره زندان را سپری نموده ام؛ اول در دورهٔ حفیظ الله امین، بار دوم سوم حوت که تاریخ خونین کشور ما می باشد و برای بار سوم در سال ۱۳۶۰ زندانی شدم که در این دوره مدت هفت سال را در زندان سپری نمودم و بعداً رها شدم.

مراحل زندانی کردن را در رژیم خلق و پرچم را می توان به دو مرحله تقسیم نمود: یکی مرحلهٔ ابتدایی ص۷

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل– چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ – ۲۲۰۲۲۱۴ – ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

بیست و ششمین سالروز شهادت دسته جمعی پیشگامان نهضت اسلامی در زندان رژیم استبدادی تره کی ـ امین!

یادی از یک حماسه

بیست و شش سال قبل به تاریخ ۸ و ۱۴ جوزای سال ۱۳۵۸ زندانیان آزادهٔ زندان پلچرخی کابل علیه اعدام ها و زنده به گور کردن های رژیم استبدادی و ضد مردمی تره کی ـ امین به پا خاستند و حماسه آفریدند.

رژیم کمونیستی کابل که در ارتکاب جنایت و نقض حقوق بشر و حکومت دیکتاتوری یک حزبی و ایجاد فضای خشونت، اختناق و ترور در سطح منطقه و حتی جهان بی بدیل بود، نه تنها مخالفین سیاسی و فکری خویش را بدون ارتکاب هیچ جرمی، به زندان می افگند و یا به کشتارگاه ها می فرستاد؛ بلکه زندانیان مخالف رژیم داوود خان را که مانند حکومت مقتدر او به اینان به میراث مانده بود، نیز در پولیگون پلچرخی به قتل می رسانید و یا زنده به گور می کرد. و این در حالی است که آن شهدای گران قدر مدت حبس خویش را سپری می نمودند و از بعضی شش ماه، یک سال، دو سال و یا بیشتر از آن باقی مانده بود!

یکی از ویژگی های اصلی رژیم کمونیستی این بود که ارزش های انسانی و حقوق بشر را به رسمیت نمی شناخت و هر عنصر نا موافق را دشمن تصور می نمود و قابل حبس و مرگ می دانست!

گرچه معمول است که رژیم های جدید و به خصوص با ادعای انقلابی بودن و استبدادی خواندن رژیم قبلی، در نخستین گام به آزادی محبوسین سیاسی می پردازند و بدین وسیله ضدیت خود را با استبداد و اختناق به نمایش می گذارند؛ ولی رژیم جدید خلقی با چنان وحشت، قساوت و درندگی عمل نمود که استبداد و اختناق گذشته را فراموش مردم ساخت و آنانی را که برای سرنگونی رژیم گذشته دعا می نمودند بر آن واداشت تا برای کشتگان آنان دعا نمایند زیرا به صورت بسیار وحشیانه و ناجوان مردانه توسط دست پروردگان خودشان کشته شده بودند که تا امروز حتی قبر آنان و هزاران شهید راه جهاد و آزادی کشور، معلوم و مشخص نیست!

رژیم دیکتاتوری پلیسی و ضد حقوق بشری تره کی - امین نه تنها جنایات و تبهکاری های خود را پنهان و کتمان نمی نمود، بلکه به آن افتخار نیز داشت و آن را ـ مانند همه رژیم های کمونیستی ـ لازمهٔ دیکتاتوری پرولتاریا و اعمار جامعهٔ سوسیالیستی می دانست!

چنانچه گفته شد، رژیم جنایت کار کمونیستی صدها تن از زندانیان سیاسی رژیم گذشته را نیز در اختیار داشت که اکثریت قریب به اتفاق آنان را اعضای نهضت اسلامی تشکیل می دادند و همچنین از نخستین روزهای غصب قدرت به دستگیری وسیع مخالفان فکری و سیاسی خویش اقدام نموده بود که در کنار هزاران وحتی ده ها هزار مسلمان و ضد کمونیست، شامل تعدادی از پرچمی ها و خلقی های مخالف جناح حاکم نیز می گردید.

در ۸ جوزای ۵۸ نخستین گروه از پیشگامان نهضت اسلامی کشور از زندان پلچرخی به قتلگاه فرستاده شدند که با مقاومت مردانهٔ تعدادی از این عزیزان به رهبری برادر عبدالهادی مشهور به پدر مواجه گردید و در ۱۴ جوزای ۵۸ تعداد دیگری از این راد مردان مجاهد به رهبری شهید سید اکبر قیام نموده و فرمانده زندان را شدیداً مجروح نمودند و بدین ترتیب در داخل زندان حماسه آفریدند و پایه های کاخ استبداد سرخ کمونیستی را به لرزه افگندند.

*** این حماسه و این شهادت های دسته جمعی و این ستم ها و بیداد های خونین دشمنان آزادی و حقوق بشر، صفحات ماندگار و فراموش ناشدنی تاریخ معاصر کشور ماست** ص۳

اعلامیهٔ مشترک تفاهم نامه یا موافقتنامه؟!

محمد نسیم فقیری

روز سه شنبه ۳ جوزای ۸۴ در پایان سفر رسمی رئیس جمهور به ایالات متحدهٔ امریکا طبق معمول اعلامیهٔ مشترک ولی با تفاوت داشتن یک عنوان (اعلامیهٔ مشترک ایالات متحدهٔ امریکا و افغانستان در مورد همکاری های استراتژیک) توسط رؤسای جمهور دو کشور به امضا رسید که بعضی ها آن را موافقت نامه و برخی تفاهم نامه خواندند ولی رئیس جمهور بر اعلامیه بودن آن تأکید داشت و تحت همین نام، در صفحات اول و هفت شمارهٔ ۴ جوزای روزنامهٔ ملی انیس نیز به نشر رسیده است. گرچه همین روزنامه و در همین شماره و در تیتر درشت خبری صفحهٔ نخست، آن را تفاهم نامه خوانده است و در متن اعلامیه به عنوان "موافقت نامه" از آن تذکر رفته است:

"به خاطر پاسخ گفتن به این چالش ها، افغانستان پیشنهاد نموده است که ایالات متحدهٔ امریکا با این کشور وارد یک همکاری استراتژیک شده وهمیاری نزدیکی را به شمول تبادل نظر منظم در سطح عالی در زمینه های امنیتی و اقتصادی مندرج در این موافقتنامه و ... و ... به منظور دسترسی به اهداف مندرج در این موافقتنامه ..."

نیاز به گفتن ندارد که اعلامیهٔ مشترک، یادداشت تفاهم، موافقتنامه، معاهده و پیمان هر کدام دارای مفاهیم و الزامات به خصوص بوده و در روابط خارجی و دپلماسی هرگز یکی به جای دیگری به کار برده نمی شود.

واقعیت امر هرچه باشد، ما آن را بنا بر تأکید و تکرار رئیس جمهور کشور "اعلامیهٔ مشترک" می خوانیم که به همه حال پرسش ها و ملاحظاتی در مورد آن می تواند وجود داشته باشد:

۱- متن دری این اعلامیه، رسا و شیوا نیست و چنین بر می آید که از انگلیسی به درستی ترجمه نشده است. در اینجا فقط به چند جمله اشاره می شود:

– "ایالات متحدهٔ امریکا و افغانستان همچنان در نظر دارند تا مشترکاً مساعی و توافقنامه های مقتضی را برای اجرای همکاری استراتژیک شان به عمل آورند."

– "حمایت از ابتکار افغانستان برای احیای نقش تاریخی این کشور ..."

– "حمایت از روابط دوستانهٔ همکاری میان مردم و..."

– "... دسترسی به دیدگاه مشترک ..."

– "... همکاری در زمینهٔ چالش ها و ظرفیت های موجود".

– ادامهٔ انجام عملیات های ضد تروریزم ..."

– "حمایت از ابتکار امنیت در مرزهای افغانستان".

– "... رعایت فعالانهٔ قانون اساسی ..."

– "ایالات متحدهٔ امریکا به دولت افغانستان در زمینهٔ ... تکیه می کند"

– "مردم افغانستان برای تحقق آزادی، قربانی های بی شمار و دلاوری بی مانندی از خود نشان داده اند."

اشکال عمدهٔ جملات فوق به ترتیب از این قرار است:

– "به عمل آوردن توافقنامه های مقتضی"! زیرا توافقنامه ها امضا می گردند و باید عملی شوند نه این که به عمل آورده شوند و به جای کلمهٔ "همچنان" بهتر بود تا "همچنین" به کار می رفت.

– "اجرای همکاری"! زیرا همکاری صورت می گیرد و باید دارای سرعت و جدیت و وسعت لازم باشد نه این که اجرا شود.

– "حمایت از ابتکار افغانستان برای احیای نقش تاریخی" که کار برد کلمهٔ "ابتکار" درست و مناسب نیست.

– "روابط دوستانهٔ همکاری" درست نیست و شاید روابط دوستانه و همکاری بوده باشد که به همه حال "حمایت" نمی شود بلکه باید رشد و تقویت بیابد.

> **به صورت بسیار خلاصه و فشرده می توان گفت که در اعلامیهٔ مذکور، تعهدات و مکلفیت های افغانستان بر جسته ساخته شده و روی آن تأکید صورت گرفته است ولی در مقابل، جانب ایالات متحده فقط به همکاری در زمینه های امنیتی، گسترش دموکراسی و اسلوب حکومت داری اکتفا کرده است**

– "دیدگاه مشترک" چیزی است که از قبل وجوددارد و نیازی به دسترسی ندارد و شاید در اصل "اهداف مشترک" باشد.

– همکاری در زمینهٔ چالش ها به معنی ایجاد آن است در حالی که منظور از آن شاید مبارزه یا پاسخگویی در برابر چالش ها باشد ولی "همکاری در زمینهٔ ظرفیت ها" مفهوم نیست و

> **نیاز به گفتن ندارد که اعلامیهٔ مشترک، یادداشت تفاهم، موافقتنامه، معاهده و پیمان هر کدام دارای مفاهیم و الزامات به خصوص بوده و در روابط خارجی و دپلماسی هرگز یکی به جای دیگری به کار برده نمی شود**

شاید استفاده از ظرفیت ها باشد.

– "انجام عملیات ها" دارای دو اشکال است: نخست این که "انجام" به معنی پایان کار است و "عملیات" خود جمع است و نیازی به جمع بستن مجدد ندارد و بهتر بود تا به "ادامهٔ عملیات ضد تروریزم" اکتفا می شد.

– "ابتکار امنیت در مرزها" مانند مورد سوم، فهمیده نمی شود که کلمهٔ "ابتکار" به چه معنی به کار رفته است؟

– رعایت قانون اساسی، فعالانه و غیر فعالانه ندارد وبهتر بود تا "رعایت دقیق و یا درست قانون اساسی" به کار می رفت.

– تکیه کردن امریکا به دولت افغانستان بسیار عجیب می نماید وشاید منظور از آن "اعتماد" باشد یعنی "ایالات متحده به دولت افغانستان در زمینهٔ رعایت تعهدات قبلی... اعتماد می نماید"

– به جای "تحقق آزادی" بهتر بود "برای رسیدن به آزادی و استقلال" گفته می شد و همچنین مردم "قربانی" را از خود نشان نمی دهند بلکه "متحمل" می گردند و باید چنین می آمد که:

مردم افغانستان برای رسیدن به آزادی، قربانی های بی شماری را متحمل گردیده و دلاوری بی مانندی از خود نشان داده اند.

۲- در قسمت نخست این اعلامیه، صمیمانه ترین مراتب سپاس مردم افغانستان به مردم ایالات متحدهٔ امریکا ابراز گردیده است ولی در قسمت اخیر اعلامیه از قربانی ها و دلاوری های بی مانند مردم افغانستان ــ بدون ابراز سپاس و تشکر ـ فقط یادی به عمل آمده است!

۳- قبل بر این گفته می شد که امریکا قصد دارد و می خواهد که در خاک افغانستان چندین پایگاه نظامی احداث و معاهده یی را در این زمینه امضا نماید و رئیس جمهور کشور ما جلسهٔ بزرگ مشورتی را نیز برای گرفتن پاسخ از نمایندگان مردم در برابر این خواست امریکا دایر نموده بود ولی از مفاد این اعلامیه بر می آید که همکاری استراتژیک پیشنهاد و خواست افغانستان است و نه امریکا!

۴- در مورد ضرورت حضور دیرپای نیروهای ائتلاف در کشور، گفته می شد که خطر مداخلات خارجی ـ عمدتاً از ناحیهٔ همسایگان ـ به قوت خود باقی است و هدف اصلی از همکاری استراتژیک امریکا و افغانستان نیز مبارزه با مداخلات و یا پیشگیری از آن است.

ولی به همه حال در این اعلامیه حد اقل در دو مورد به صورت صریح از ضرورت "تقویت مناسبات صلح آمیز وثمر بخش میان افغانستان و همسایگان و تقویت همکاری میان افغانستان و همسایه های آن" توسط این همکاری استراتژیک یاد گردیده است و این که همکاری استراتژیک یاد شده برضد هیچ کشور سومی نیست.

۵- رئیس جمهور قبل از سفر به امریکا با جدیت و حرارت گفته بود که موضوع عملیات خودسرانه و تلاشی های اذیت کنندهٔ نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا و همچنین استرداد زندانیان افغان را با رئیس جمهور امریکا درمیان خواهد گذاشت ولی در اعلامیهٔ مذکور به "آزادی عمل" آن نیروها به صورت مشروط موافقت شده و چنین آمده است:

"نیروهای ایالات متحده و ائتلاف بین المللی در اجرای عملیات نظامی مقتضی بر اساس مشوره و ضوابط از قبل تعیین شده، آزادی عمل خواهند داشت" و همچنین در مورد زندانیان فقط به خواست دولت افغانستان اشاره شده است وبس:

ص۳

به مناسبت ۸ و ۱۴ جوزای ۱۳۵۸
روزهای شهادت مبارزان مسلمان

افغانستان جغرافیای سیاسی شهدا

تکساری

کشور ما افغانستان برای آزادی کاروان های بزرگی از شهدا را تقدیم این جغرافیای سیاسی نموده است.

سپیده دم قرن بیستم با شهادت تجلیل شده است، به سخن دیگر در آغاز روزهای قرن بیستم، تعدادی از عناصر ملی آماج تیر فرصت طلبان در بارقرارگرفتند و شهید شدند هر لحظه این سرزمین از مشروطیت سپیده دم قرن بیستم گرفته تا جریان جهاد و مقاومت سال های پسین این قرن به خون شهدا رنگین است. شهادت محمد ولی دروازی، غلام نبی خان چرخی، حبیب الله کلکانی، محمد صدیق خان و غیره مبارزان کوهدامن شمالی، کنر، لوگر و شمال کشور، فقط به هدف آزادی خواهی بوده است. فعالیت احزاب در قانون اساسی ۱۳۴۳ خورشیدی پیش بینی گردیده بود، ولی هیچ گاه قانون احزاب در کشور رسمیت پیدا نکرد و توشیح و نافذ نگردید، این احزاب سیاسی به طور لجام گسیخته به فعالیت آغاز کردند و هیچ کس مسؤول اعمال این احزاب نبود تا این که هر کس هر چه خواست گفت و هر چه اراده کرد نوشت، به کسی فحش گفت و کسی را خائن ملت خواند. احزاب چپ که از سوی دربار پشتیبانی می گردید چنان سر سام آور رشد کرد که در فرجام، فاجعه بار آورد، که هم اکنون درد ورنج آن را لمس می نماییم. بدنه های حکومت محمد داوود را این احزاب چپ تشکیل می داد و نام های شورای انقلابی و کمیتهٔ مرکزی ... و چنین مصطلحات که در ان وقت از ترمینولوژی های به اصطلاح احزاب شرقی محسوب می گردید، در نشرات دولتی انعکاس می یافت. تا این که محمد داوود در اثر فشار های بین المللی، کشور های منطقه و اسلامی خواست توبهٔ سیاسی کند و حضور خود را در جرگهٔ کمونیزم بین المللی کمرنگ سازد، که آندم دیگر ناوقت گردیده بود. و این سردار نازدانه نتیجهٔ خود خواهی و تغییر استراتژی خود را از بادارش چشید و کشور را دچار بحران و کشمکش های جهانی ساخت و سیستم های جهانی قدرت متوجه این کشور گردیدند، و زمینهٔ جهاد و مبارزهٔ مسلحانه در کشور پی افگنده شد. تا این که افغانستان به یک زندان تمام عیار تبدیل گردید. از جمله زندان هایی که مردم از نام آن هراس داشتند و همواره عناصر ملی و آزادی خواه را در آن جا شکنجه می کردند، یکی هم زندان دهمزنگ، زندان ولایت و موتی بوده است. ظرف سال های دههٔ دموکراسی و حکومت کودتایی محمد داوود، محبس دهمزنگ محل باز داشت زندانیان سیاسی بود. اکثریت مطلق زندانیان این محبس را کسانی تشکیل می دادند که از تفکر اسلامی، در برابر کمونیست های درباری که رهبران شان از سوی در بار حمایت می شد. بر خوردار بودند، حکومت های ظاهر شاه و داوود همواره از بیرق سبز در هراس بودند، زیرا دارندگان تفکر اسلامی ریشه در اعماق مردم دارند، این حکومت ها می کوشیدند تا کوبنده ترین ضربات خود را بالای این نیروها وارد کنند، چیزی که تجربهٔ کشور های توتالیتر مثل عراق ، ایران، سوریه، مصر وغیره را در خود داشته است . طی سال های حکومت محمد داوود که در دانشگاه

کابل مشغول تحصیل بودم دهلیز های محبس دهمزنگ کابل را که از مخوف ترین زندان های شرق به حساب می رفته است، اشخاص و افراد زیادی در این زندان سر به نیست شده اند، این بار

شهادت محمد ولی دروازی، غلام نبی خان چرخی، حبیب الله کلکانی، محمد صدیق خان و غیره مبارزان کوهدامن شمالی، کنر، لوگر و شمال کشور، فقط به هدف آزادی خواهی بوده است

محبس دهمزنگ میزبان شماری از دانشگا هیان و علمای ارشد دینی کشور بود خوب به یاد دارم که وقتی نظر به مشورهٔ سفارت شوروی وقت و رهبری خلق و پرچم این دو گروه دست به ائتلاف زدند، عناصر ملی و متفکر به بهانه های زیادی به زندان دهمزنگ فرستاده می شدند، از جمله انجنیر حبیب الرحمن محمد اسماعیل پاسخ ، دکتر محمد عمر، توانا، انجینیر عبدالحی و دیگران که نام های شان هم اکنون در حافظه ام نیست. در این زندان به سر می بردند، این اشخاص از بهترین های دانشگاه کابل و سایر نهاد های تحصیلی در کشور بودند. روز های پنجشنبه به دیدن دوستان در این زندان می شتافتیم و در یک صف طویل لحظه شماری می کردیم تا به دیدار دوست مشرف گردیم.

خاطرات و سخنان عالمانهٔ اسماعیل پاسخ که در آن موقع از جاذبه یی خاص برخوردار بود و مخاطب خویش را مجذوب خویش قرار می داد و در کلام آن شم فلسفی وجود داشت، هنوز در خاطره ام باقی مانده است او می گفت که افغانستان در کام مرگ فرورفته است وآیندهٔ مملکت را مجهول می خواند ، چیزی که بعداً ما آن را لمس نمودیم. سال های اشغال نزدیک می شد، تا این که این گروه های چپ افراطی، شرایط نظام حاکم کمونیستی را فراهم ساختند و کودتا چیان بر اریکهٔ قدرت تکیه زدند، بعد از کودتای هفت ثور ۵۷ ، تعدادی از کمونیست های رده بالای حزب دموکراتیک به زندان دهمزنگ رفتند و در آن محبس محفل با شکوه بر پا کردند، از جمله دستگیر پنجشیری به بیانیهٔ برشور پرداخت و گفت که دوستان و رفقای ما در این زندان در حبس بودند، در حالی که هیچ کمونیست مدتی را در زندان دهمزنگ در سال های شاه و محمد داوود سپری نکرده است آنچه قربانی می گردید، عناصر ملی و دارای تفکر اسلامی بود وبس که موجودیت فعالیت های علنی گروه های چپ افراطی مبارزهٔ آن ها را شتاب بیشتر می بخشید. تا این که در همین محفل با شکوه بسیاری از اوراق کودتاچیان را دستوری آتش زدند و به رهبر کبیر خود، تره کی هورا گفتند و همین شخصیت های ملی و مبارز را که دوسیه های نسبتی آنها در حکومت داوود طی مراحل گردیده بود و هر کدام به مدتی به حبس محکوم گردیده بودند، از طرف شب اعدام و به شهادت رسانیدند و نظام خونبار وفاسد خود را با خون شهدای مسلمان تجلیل کردند از آن زمان تا کنون سال هایی زیاد می گذرد، هنوز کشورم در آتش وخون می سوزد و جوهر پاک ومقدس جهاد و مقاومت از طرف بعضی از تاجران سیاست و دین زنگار گرفته است و کسانی که جهاد را فقط به خاطر کسب رضای خداوند انجام می دادند، یا در میان ما نیستند اگر در میان ما هم باشند چنان در فقر و تنگدستی گیرمانده اند که نمی توانند در پیرامون خود فکر کنند. جای شگفتی این است که هیچ یک از رهبران کمونیست در زمان حاکمیت مجاهدین به محاکمه کشانده نشدند، حتی از آن ها چیزی پرسیده نشد.

یک نگاه به شبکه های تلویزیونی افغانستان

محمد مصدق فقیری

پس از فروپاشی رژیم طالبان درماه دسامبر ۲۰۰۱ وبعد از توافقات بن شاهد روی کار آمدن ادارهٔ موقت افغانستان، دولت انتقالی اسلامی افغانستان و حالا جمهوری اسلامی افغانستان در قالب دموکراسی هستیم.

یکی از اصول اساسی دموکراسی آزادی بیان و آزادی رسانه ها می باشد که به صورت وسیع از آن سوء استفاده هایی در این مدت چهار سال صورت گرفته است.

در این مدت ما شاهد به میان آمدن چهارشبکهٔ تلویزیونی وتعداد زیادی ایستگاه های رادیویی در کشور هستیم. تلویزیون ملی افغانستان، افغان تی وی، طلوع و تلویزیون آیینه از جملهٔ اینها می باشد.

البته در مناطقی از شهر کابل که شبکه های کیبلی وجود دارد، شاید کمتر کسی به این تلویزیون ها توجه کند اما بازهم تعداد کثیری از مردم روز و شب شاهد برنامه های این رسانه های می باشند. شاید پر بیننده ترین شبکهٔ تلویزیون در افغانستان، طلوع باشد. اگر به طور دقیق به برنامه های این شبکه توجه صورت گیرد، متوجه مشکلات زیادی در آن خواهیم شد.

اکثر برنامه های آن مفید نیستند و هدف نا مشخصی را دنبال می کنند و چند بار تکرار می شوند و کمتر دارای تنوع می باشند. از لحاظ ادبیات فارسی مشکلات بی شماری دارند و اضافه بر آن گویندگان بخش پشتو نیز به این زبان تسلط کامل ندارند مانند اکثر مسؤولان دولتی.

همچنین شکل و شمایل ولباس افرادی که بر روی صفحهٔ تلویزیون ظاهر می شوند با فرهنگ جامعهٔ افغانستان همخوانی ندارد، در پهلوی بد آموزی هایی که در ترویج فرهنگ غربی دارند از انصاف به دور خواهد بود که از برنامه های مفید آن ذکر به عمل نیاید. به طور مثال گزارش شش و نیم که البته خالی از اشتباه نیست آن یک برنامهٔ مفید تلقی می شود.

مسألهٔ مهم دیگر این است که متأسفانه از خود تولیداتی ندارند و سریال های غربی و ایرانی را پخش می کنند و هیچ گونه برنامهٔ استیج در آن به مشاهده نمی رسد. همچنین برنامه های معلوماتی دربارهٔ فرهنگ و تاریخ و جغرافیهٔ کشور ندارند.

با توجه به عظمتی که جهاد شکوهمند و تاریخی ما داشته از این جمله متأسفانه هیچ گونه توجهی به آن صورت نگرفته و لازم بود و هست که مجاهدین به فکر یک شبکهٔ تلویزیونی یا حد اقل ایستگاه رادیویی باشند که نمایانگر آرمان و آرزوی های آنان باشد و نیز چهرهٔ واقعی جهاد و مجاهدان را تمثیل کند.

بقیهٔ سرمقاله

که فرزندان اصیل، آگاه و با درک و با درد این سرزمین هرگز آن را فراموش نخواهند کرد و این ها همه درس های عبرتی است برای امروز و فردای ما که چگونه چاکران اجنبی برای تطبیق اندیشه های وارداتی و بیگانه با عقیده و فرهنگ مردم مرتکب جنایت ها و تبهکاری ها شدند و چگونه دلیر مردان مجاهد از عقیده، ناموس، هویت ملی و اسلامی و ارزش های دینی و تاریخی خویش با نثار خون های پاک شان دفاع نمودند و هرگز تن به ذلت و اسارت ندادند و مردانه و سرفرازانه در راه عقیده و آزادی کشور خویش به قربانگاه ها شتافتند و برای ما عزت، آزادی و سر بلندی را به ارمغان آوردند.

یاد و خاطرهٔ همهٔ شهدای راه اسلام و آزادی کشور گرامی و راه پاک و پر افتخار شان پر رهرو باد!

اعلامیهٔ مشترک تفاهمنامه ...

"دولت افغانستان خواهان آن است تا نگهداری از زندانیان این کشور را که در جنگ ضد تروریزم توقیف شده اند، بر عهده بگیرد."

۶- سایر موارد به صورت "خواست افغانستان" و یا "انتظار امریکا" و یا "همکاری مشترک" ذکر گردیده ولی از یک مورد بسیار مهم و کلیدی یعنی "تأسیسات میدان هوایی بگرام و تسهیلات آن و تسهیلات واقع در دیگر مناطق" به صورت قطع، مطلق و یک امر واضح و انکار ناپذیر تذکر به عمل آمده است:

"این واضح است که به منظور دسترسی به اهداف مندرج در این موافقتنامه، نیروهای ایالات متحده مستقر در افغانستان، همچنان به تأسیسات میدان هوایی بگرام و تسهیلات آن و تسهیلات واقع در دیگر مناطق که می تواند با توافق جانبین تعیین گردند؛ دسترسی خواهند داشت..."

به صورت بسیار خلاصه و فشرده می توان گفت که در اعلامیهٔ مذکور، تعهدات و مکلفیت های افغانستان بر جسته ساخته شده و روی آن تأکید صورت گرفته است ولی در مقابل، جانب ایالات متحده فقط به همکاری در زمینه های امنیتی، گسترش دموکراسی و اسلوب حکومت داری اکتفا کرده است.

آرمان شاعر

ملک الشعراء بهار

برخیزم و زندگی ز سرگیرم
و ین رنج دل از میانه برگیرم
باران شوم و به کوه و در بارم
اخگر شوم و به خشک و تر گیرم
یک ره سوی کشت نیشکر پویم
کلکی ز ستاکِ نیشکر گیرم
زان نی شرری به پاکنم وز وی
گیتی را جمله در شرر گیرم
در عرصهٔ گیر و دارِ بهروزی
آویز و جدالِ شیر نرگیرم
داد دل فیلسوف نالان را
زین اختر زشتِ خیره سر گیرم
با قوّت طعم کلکِ شکر زای
تلخی زمذاقِ دهر برگیرم
ناهید به زخمه تیزتر گردد
چون من سرِخامه تیزتر گیرم
کلک از کفِ تیر، سرنگون گردد
چون من زخدنگِ خامه سرگیرم
از مایهٔ خون دل به لوح اندر
پیرایهٔ گونه گون صور گیرم
هنجارِ خطیر تلخکامی را
برعادتِ خویش بی خطر گیرم
پیش غم دهر و تیر بارانش
این عیش تباه را سپر گیرم
در عین برهنگی چو عین الشمس
از خاور تا به باختر گیرم
وین سرپوش سیاه بختی را
از روی به زور و فرگیرم
وان میوه که آرزو بود نامش
بر سفرهٔ کام، درشکر گیرم
چون خار بُنان به کنج غم، تاکی
بر چشم امید، نیشتر گیرم

آن به که به جویبار آزادی
پیرایهٔ سروِ غاتفر گیرم
باغی ز ایادی اندرین گیتی
بنشانم و گونه گون ثمر گیرم
آن کودکِ اشک ریز را نقشی
از خنده به پیش چشمِ تر گیرم
و آن مادرِ داغدیده را مرهم
از مهر به گوشهٔ جگر گیرم
شیطانِ نیاز و آز را گردن
در بند و کمندِ سیم و زر گیرم
از کین و کشش به جا نمانم نام
وین ننگ ز دودهٔ بشر گیرم
آن عیش که تن از آن شود فربه
وان کام که جان از او شود خرّم
نُزلِ دو جهانش مختصر گیرم
یکباره به دستِ عاطفت، پرده
از کارِ جهان کینه ور گیرم
وین نظم پلیدِ اجتماعی را
اندر دم کورهٔ سقر گیرم
وین ابرهٔ ازرق مکوکب را
ز انصاف، دو رویه آستر گیرم
و آنگاه به فرِ شهپرِ همّت
جای از بر قبهٔ قمر گیرم
شبگیر کنم به صفهٔ بهرام
و آن دشنهٔ سرخش از کمر گیرم
زان نحس که برتراود از کیوان
بال و پر و پویه و اثر گیرم
وان دست که پیش آرزوی دل
دیوار کشد، به خام درگیرم
نومیدی و اشک و آه را درهم
پیچیده به رخنهٔ قَدَر گیرم
واندر شبِ وصل، پردهٔ غیرت
در پیش دریچهٔ سحر گیرم
و آنگاه به سطحِ طارمِ اطلس
با دلبر دست در کمر گیرم
با بال و پر فرشتگان زانجای
زی حضرت لایموت پر گیرم

سال ۱۳۰۹ خورشیدی

آوای شما

سیمین بهبهانی

آوای شما، حیف که از نای شـــــما نیست
و زنای شما، گر بود آوای شما نیســــت!
این دم که دمیدند و چنین همهمه برخاست
جز دمدمهٔ همهمه فرمای شما نیســــت
بانگی است که سوداش توان کرد به دانگی
زین بیشترک، ارج به کارای شما نیســــت
آن روز که فریاد روا بود، نکردیــــــــد
امروز دگر، عربده بایای شما نیســــت
خاموش! که جانبازی بگذشتهٔ یـــــاران
اسباب زبانبازی حالای شما نیســــت
صد شکر که حق، معنی تلخی است که هرگز
در بازی منقار شکر خای شما نیســــت
زر را بشناسید! که در دست شما هســـت
ز آهن مهراسید! که بر پای شما نیســــت
از خفته به خارا خبر از درد توان چیســت
کانجا اثر از بستر دیبای شما نیســــت
ای مدعیان! مضحکه سازید و از این روی
جز قهقهه کس داور دعوای شما نیســــت
ایمان من سوخته باور، نه شگفت اســــت
گر شیفتهٔ قول فریبای شما نیســــت
من سنگ و سخنهای شما میخ پر از رنگ
حق با دل تنگم که پذیرای شما نیســــت

ولګيد

حمزه شینواری

آشنا چه په ما ستا د ميني تور ولګيده
په دي هم د رقيب په خونه اور ولګيده
ستا کم و تغافل چه لارقيب ته هم شوي مسك
په زړه زما د زړه د پاسه اور ولګيده
سحر چه خبر داره شو د شپي نه د وصال
له رشکه د فلك په خونه اور ولګيده
ښايسته درله ښائي په شوخي کښي سادګي
کامل شو چه کوم نقش په انځور ولګيده
قاصده نن دي څه رنګه خبري دي پستي
ګفتار دي په حمزه چه هسي سپور ولګيده

د زلفو سلسلي

خيال کي د زلفو سلسلي ښکاري
څه مهربانه غوندي شپي ښکاري
ستا انتظار شو د ماښامه سره
سترګي زما بلي ډيوي ښکاري
ستا د بڼرو غشي په زړه کښي زما
څه تبنتوونکي پلوشي ښکاري
تاته آسانه بي لوظي ده اشنا
ماته خو ګراني شوګيري ښکاري
حمزه د تندي انتهائي ګنړه
سترګي د ښکليو چه مړي ښکاري

بهـــار

غافل بدخشی

یارب این اقبال فرخ ازچه رودارد بهار
هرسحر کزشبنم گلهاوضو داردبهار
بزم می خوران به صحرا گشت بامی آشکار
محتسب راتیغ هردم درگلوداردبهار
اینچنین معجزطرازی بین که درآغوش ناز
خط سنبل درسرگل تازه روداردبهار
مژده ای دل رشتهٔ سنبل رساگردیده است
چاکهای سینه غم رارفوداردبهار
دست ما رنگین جام عیش ونرگس زشیر
همچو طفلان هرزمان باگریه خوداردبهار
سبزه ازخط لا له از می نرگس از چشم خمار
آن قدر ها دستگاه گفتگو دارد بهار
شد قماش اهل علم آ سود درهنگام دی
همچونیل (غافل) اکنون شست وشوداردبهار

شرار آهنگ

غافل بدخشی

شرارآ هنگم وجز سا زو جست نبـــــود آرامم
متاع صبحم و محمل به دوش نـــــاقهٔ شامم
نمی دانم چسان گل کرده ام عرصهٔ حـــــالم
چو مه جزپیکر خم نیست در آ غاز و انــــجامم
دراین وادی چو من یارب مبا دا کس گرفتاری
که چون طاووس گردد کسوت من حلقه دامم
نم می نیست چون دور مکافاتم دراین گلشن
چو خون تاک ومینا خورد کز مینا خورد جامم
مکن مشق تبسم تا نسازد دهر دل خــــونت
که از خط جبین غنچه این گردیداعلامـــــم
دل آگه کدورت ازحوادث بیشتر بایـــــــــد
برین معنی در این غفلت سرا عافل بشد نامم

د ګډ ژوند فيصله

زيارمل

وائي يو ځوان هلك او پيغلي له څه مودي را پدي خوا سره پيژندلي و او يوبل ني ډير خوښيدل، د هري ورځي په تيريدو سره به د دوي مينه زياتيده او يو بل ته به سره نژدي کيدل او د ميني اوازي به ني هري خواته خپريدي ترڅو د دواړو نژدي دوستان هم خبر شول او دوي هم وپوهيدل چي نوره خپله مينه پټه نشي ساتلاي او بايد يوي فيصلي ته سره ورسيږي.

يوه ورځ دواړو په همدي هيله په ګډه په يوه ښاري پارك کي چکر واهه چي هلك تري د نورو پوښتنو په ترڅ کي داهم و پوښتل: ګراني ويلاي شی چه څه کار او کسب دي زده دی؟

نجلي وويل: ښه سندغاړي يم، نڅامي زده ده حتي په اروپائي ډانس کي مي هم ښه جايزه اخيستي ده، له لويديځي موسيقي سره ډير مينه لرم او د پيانو په غږولوکي استاده يم، ښکار او سياحت مي هم خوښيږي، تکړه لامبوځنه هم يم، د کرمبول او فوټبال په لوبو کي خوکوم سيال نه لرم، زړه مي دي چي په راتلونکي کي د نړيوال جام په مسابقو کي برخه واخلم خو اوس ته راته ووايه چي ستا له کومو کارونو سره مينه ده؟

هلك وويل: جامي مينځلي شم، کوچنيانوته وچي شيدي برابرولي او په چوټك کي اچولی شم، دخوب لپاره د بسترو اوارول او بيرته ټولول، د پخلنځي د لوښو پريمنځل او ټولول او د کوټو جاروکول خو مي مسلکي دنده ده، په اشپزی کي مي ديپلوم اخيستي په تيره بيا د بهرنيو غذاګانو په پخولو کي بالکل استاديم ...

نجلي په ډيرې خوشحالی د هلك خبري وريري کړي او لاسونه ني ورته په غاړه کي واچول. دوه دري خله ني ښکل کړ او ورته ني وويل بس ما هم له خدايه همداسي يو د ژوند ملګري غوښته ما په آسمانونو لټولي خو ته خداي په ځمکه راکړي، ژوندي دي وي زما او ستا ترمنځ هميشني مينه او تل دي وي زما او ستا ګډ ژوند.

اعلامیهٔ مشترک ایالات متحده امریکا و افغانستان در مورد همکاری استراتژیک

در پی سرنگونی رژیم طالبان در دسامبر ۲۰۰۱ ایالات متحدهٔ امریکا و افغانستان در جهت تحقق اهداف مشترک استراتژیک شان پیشرفت های چشمگیری داشته اند. ما مشترکاً شبکه های بین المللی تروریزم را نابود و در این جهت تلاش کردیم که افغانستان دیگر هرگز به پناهگاه امن برای تروریست ها مبدل نشود. ایالات متحده از مردم افغانستان در جهت ایجاد یک دولت معتدل و متکی بر ارادهٔ مردم حمایت نموده است. در این راستا مردم و حکومت ایالات متحده پابندی شان را به تعهد برای ایجاد افغانستانی دموکرات، آزاد و کشوری که بتواند خودش به امنیتش بپردازد، به نمایش گذاشتند.

افغانستان صمیمانه ترین مراتب سپاس مردمش را به مردم ایالات متحدهٔ امریکا ابراز می دارد. در نتیجهٔ کمک سخاوتمندانهٔ مردم و نقش رهبری ایالات متحدهٔ امریکا، مردم افغانستان قادر شدند امید و اعتماد دوباره بیابند و نظر تازه یی در رابطه به رسیدن به موفقیت و صلح پیدا کنند.

افغانستان با چالش های مهمی در جهت استقرار امنیت و تلاش هایش در جهت ساختن یک دولت مبتنی بر اصول دموکراسی، احترام به حقوق بشر و اقتصاد بازار رو به روست. به خاطر پاسخ گفتن به این چالش ها،افغانستان پیشنهاد نموده است که ایالات متحدهٔ امریکا با این کشور وارد یک همکاری استراتژیک شده و همیاری نزدیکی را به شمول تبادل نظر منظم در سطح عالی در زمینه های سیاسی، امنیتی و اقتصادی مندرج در این موافقتنامه و مسائل دیگر مورد علاقهٔ دو جانب پایه گذاری کنند. ایالات متحدهٔ امریکا و افغانستان همچنان در نظر دارند تا مشترکاً مساعی و توافقنامه های مقتضی را برای اجرای همکاری استراتژیک شان به عمل آورند.

این تلاش مشترک بر مبنای شماری از اصول کلیدی از جمله تعهد برای حاکمیت قانون، حمایت از حقوق بشر و آزادی های مدنی تمام افراد بدون درنظرداشت تعلقات قومی یا جنسی، حمایت از حاکمیت دموکراتیک و اتکا به بازار آزاد به عنوان بهترین روش برای پیشرفت اقتصادی افغانستان، استوار خواهد بود. نخستین هدف همکاری استراتژیک، تقویت روابط بین ایالات متحده و افغانستان به منظور تأمین امنیت درازمدت، دموکراسی و رفاه در افغانستان خواهد بود. این همکاری باید مناسبات صلح آمیز و ثمربخش میان افغانستان و همسایه هایش را تقویت کند. این همکاری استراتژیک بر ضد هیچ کشور سومی نیست.

این همکاری بنیادی است برای تلاش های مشترک ما در جهت همیاری در جنگ علیه تروریزم بین المللی و مبارزه بر ضد خشونت افراط گرایی، برای استقرار ثبات و رفاه در منطقه و به منظور ثابت قدم ماندن در حمایت از مبارزهٔ افغانستان در ریشه کن کردن کشت کوکنار و مبارزه بر ضد تولید و قاچاق مواد مخدر و حمایت از تأمین معیشت بدیل. این همکاری بر پایهٔ قوانین اساسی کشورهای ما و مکلفیت های ایالات متحده و افغانستان در برابر منشور سازمان ملل متحد، موافقتنامه ها و سایر پیمان های بین المللی استوار خواهد بود.

چند دهه جنگ داخلی، خشونت سیاسی و مداخله در امور داخلی افغانستان سبب شده تا امنیت، حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی این کشور عرصه های مبرم در همیاری ایالات متحده و افغانستان باشد. برای گسترش دموکراسی، رفاه و امنیت پایدار ما مصمم هستیم تا در همبستگی با هم تلاش نماییم به منظور:

دموکراسی و اسلوب حکومتداری

• حمایت از ادارهٔ سالم دموکراتیک در حکومتداری و توسعهٔ جامعهٔ مدنی مبتنی بر حاکمیت قانون و حقوق بشر و فراهم آوری زمینه های مشارکت سیاسی با پایهٔ وسیع در افغانستان.

• کمک به ساختن دولت نیرومند و دیرپای افغانستان و نهادهای مدنی و حمایت از سنت های سیاسی موثر و پاسخگوی نیازهای مردم افغانستان.

• تشویق توسعهٔ آزادی و دموکراسی در گسترهٔ منطقه.

• حمایت از ابتکار افغانستان برای احیای نقش تاریخی این کشور به عنوان پلی میان آسیای مرکزی و جنوبی و ارتقای مناسبات منطقه یی از رقابت به همکاری اقتصادی و سیاسی.

• تقویت همکاری میان افغانستان و همسایه های آن و دفع مداخلاتّ در امور داخلی این کشور.

• حمایت از روابط دوستانهٔ همکاری میان مردم و تقویت روابط میان جوامع امریکا و افغانستان برای دسترسی به دیدگاه مشترک و همکاری در زمینهٔ چالش ها و ظرفیت های موجود.

رفاه

• مساعدت و حمایت از بازگشت افغانستان به اقتصاد منطقه یی و جهانی و سازمانهای مورد نظر بین المللی.

• کمک به توسعهٔ چهارچوب قانونی و نهادینه برای بخش خصوصی و تشویق سرمایه گذاری های بین المللی در افغانستان.

• تشویق و فراهم آوری سهولت برای حضور متصدیان ایالات متحده در بخش هایی که توسعهٔ شرکت های افغانی و بخش خصوصی را در افغانستان سرعت می بخشد.

• ادامهٔ حمایت از بازسازی افغانستان و سرمایه گذاری جهت رشد قوای بشری افغانستان و تشویق کشور های دیگر در این راستا.

امنیت

• کمک به سازماندهی، آموزش، تجهیز و تمویل نیروهای امنیتی افغانستان تا زمانی که این کشور خود قادر به بر عهده گرفتن این مسؤولیت شود.

• مشورت و اتخاذ تصامیم مقتضی مشترک در مواردی که به باور افغانستان تمامیت ارضی، استقلال و امنیت آن کشور در معرض تهدید و خطر قرار گرفته است.

• مساعدت به دولت افغانستان برای اصلاحات بخش امنیتی.

• ادامهٔ انجام عملیات های ضد تروریزم در همکاری با نیروهای افغانستان.

• حمایت از مساعدت های ائتلاف از برنامهٔ ضد مواد مخدر دولت افغانستان.

• تداوم تبادل اطلاعاتی و استخباراتی.

• تقویت روابط افغانستان با ناتو.

• حمایت ازابتکار امنیت درمرزهای افغانستان.

این واضح است که به منظور دسترسی به اهداف مندرج در این موافقتنامه، نیروهای ایالات متحده مستقر در افغانستان همچنان به تأسیسات میدان هوایی بگرام و تسهیلات آن و تسهیلات واقع در دیگر مناطق که می تواند با توافق جانبین تعیین گردند دسترسی خواهند داشت. نیروهای ایالات متحده و ائتلاف بین المللی در اجرای عملیات نظامی مقتضی براساس مشوره و ضوابط از قبل تعیین شده آزادی عمل خواهند داشت.

پا به پای افزایش توانمندی دولت افغانستان، این کشور همکاری اش را در مبارزه با تروریزم، تقویت امنیت منطقه یی و جلوگیری از قاچاق مواد مخدر ادامه می دهد؛ دولت افغانستان به مرور زمان هزینهٔ نیروهای امنیتی اش را خود بر عهده خواهد گرفت؛ دولت افغانستان خواهان آن است تا نگهداری از زندانیان این کشور را که در جنگ ضد تروریزم توقیف شده اند، بر عهده بگیرد.

پا به پای رشد سیستم سیاسی افغانستان، ایالات متحده انتظار دارد که این کشور حقوق بشر را رعایت و جامعهٔ عادلانهٔ مبتنی بر اصل برابری را گسترش دهد. انتخابات منظم، آزاد، عادلانه و دموکراتیک، مطبوعات آزاد و رعایت فعالانهٔ قانون اساسی افغانستان معیارهایی اند از تعهد این کشور به الزامات ناشی از این اصول. ایالات متحدهٔ امریکا به دولت افغانستان در زمینه رعایت تعهدات قبلی اش مبنی بر مبارزه علیه تولید، پروسس و قاچاق مواد مخدر و به عهده گیری مسؤولیت متناسب با رشد و افزایش ظرفیت های پلیس برای تعقیب و توقیف؛ تکیه می کند.

در پایان، ایالات متحده به تعهدات دولت افغانستان در جهت ساختن چهارچوب قانونی و محیط مساعد برای بخش خصوصی و سرمایه گذاری ملی و بین المللی که منتج به فراهم آوری فرصت های اقتصادی برای تمام مردم افغانستان شود، باور دارد.

مردم افغانستان برای تحقق آزادی قربانی های بی شمار و دلاوری بی مانندی از خود نشان داد ه اند. ایالات متحدهٔ امریکا با این باور افغانها که میهن شان یک کشور دموکراتیک، صلح آمیز و فعال در جهت بهتر ساختن زندگی تمام افغان ها و به عنوان کشوری که نقش مثبت و مهمی را در امور منطقه یی و جهانی بازی کند، هم نظر است. ما مطمئن هستیم که همکاری استراتژیک ایالات متحده و افغانستان نقش محوری را در کمک به رسیدن افغانستان به این اهداف بازی خواهد کرد.

جورج واکر بوش
از جانب ایالات متحده امریکا
حامد کرزی
از جانب جمهوری اسلامی افغانستان
واشنگتن دی سی
۲ جوزای ۱۳۸۴ مطابق به ۲۴ می ۲۰۰۵

د مالیي د نوي قانون په باب ژور فکر په کار دي

پامیر

پر عایداتو باندي د مالیاتو د نوي قانون له مخي چي اصلاً د حمل د میاشتي په 9 نیټه د ولسمشر کرزي له خوا توشیح شوي څرګنده شوي چي د میزان د میاشتي له لومړي نیټي څخه به له هغو دولتي کارمندانو څخه چي میاشتینی معاش ئي 12500 افغانیو څخه زیاتی وي په سلو کي لس او له هغو کارمندانو څخه چي معاش ئي له سلو زرو افغانیو څخه اوچت وي په سلو کي شل مالیه وضع کړي.

مور چي مالیي وزارت ددغه تصمیم په وړاندي د هیواد د زیاترو اقتصادپوهانو، دولتي کارمندانو او د نظر د خاوندانو نظریات د ډله ییزو رسنیو له لاري واوریدل داسي معلومیږي چي په اوس وخت کي چي مرکزي دولت خلکو ته لازم ښاري خدمتونه سرته نشي رسولي له دغه تصمیم څخه څوک راضي نه ښکاري. بله مهمه خبره داده چي د دولتي کارمندانو میاشتي معاش خو اصلاً 12500 افغانیو ته نه رسیږي یواځي خیني د کوټي په شمار وزارتونه او یا ځانګړي اداري دي چي هغوي ته دغه راز امتیازات برابر شوي او افغانی خو لا پریږده چي په ډالرو اوچت معاشونه اخلي خو که چیرته دولت تصمیم لري چي دخپلو کارمندانو په میاشتینو معاشونو نوي نظر وکړي او هغه بیا د مالیي اخیستلو او ستي معیار ته ورسوي نو فکر کوم چي بیا به هم د دولت په کمزوري مامورینو باندي دایو ملاماتوونکي پیتي وي چي ورل به ئي ورته ګران تمام شي.

دولتي مقامات به خپلو سترګو ویني چي نن د ژوند د ورځنیو اړتیاو د بیو اندازه زیاته اوچته شوي که مور اوسني معیار یعني 12500 افغاني په پام کي ونیسو نو په ډاګه ویلای شو چي ددغو پیسو په واسطه یو دولتي کارمند چي حد اقل سپر کسیز فامیل هم ولري د خپلو بچیانو خوراکي مواد، د ښووني او روزني، روغتیا، ترانسپورت او په لسګونو نورو اړتیاو د پوره کولو توان نه لري. مور وینو چي زیاتره دولتي کارکوونکي بیا د استوګني په کرایي کورنو کي ژوند کوي او د یو داسي کور چي دري خوني ولري کرایه نن شپږ او یا اوه زره افغانیو څخه کمه نه ده نو په دغه راز شرایطو کي زیاتره دولتي کارمندانو اوس دخپل اصلي ماموریت تر څنګ په نورو دولتي او یا شخصي موسساتو که څانونه اجیر کړي تر څو د خپل میاشتیني خرڅ له عهدي څخه ووتلي شي.

په معاشونو باندي د مالیي د زیاتوالي لامل دابښودل شوي چي زمور په سږني عادي بودجه کي چي شپږ نیم ملیونه ډالره کیږي دوه سوه نهه څلویښت ملیونه له کورنیو عایداتو او پاتي ئي له بهرنی مرستي څخه برابر شوي دي. زمور په فکر که دولت غواړي خپل ټول کورني عایدات مرکزي کړي نو لازم دي چي د هیواد په ولایتونو کي د کورنیو عایداتو سرچیني لکه ګمرکونه، مستوفیتونه، ښاروالي، ترانسپورت د سوداګري خوني او نوري داسي په لسګونو عایداتي سرچیني د هغو کسانو له واک څخه بهر کړي چي لا اوس هم دغه عایدات خپله میراثه او یا خپله شخصي شتمني بولي او زیاتره ئي د سیمي د نفوذ لرونکو له خوا لوټ تالان کیږي. بله ستره منبع ئي داده چي نړیوالي ټولني ته یو ځل بیا هم د بیلا بیلو لارو، غونډو او خبرو اترو له لاري قناعت ورکړي چي په راتلونکي که د انجیو ګانو سره مستقیمي مرستي ونه کړي او دغه په سلو کي شل بهرني مرستي باید نیغ په نیغه د افغانستان انتخابي دولت ته وسپارل شي او دولت باید دغه راز مرستي په خپله بودجه کي شاملي کړي.

همدارنګه مور چي اوس وینو د افغانستان په اسلامي دولت کي داسي وزارتونه اوخپلواکه اداري هم شته چي زیاتره کارمندان ئي ډالري معاشونه اخلي، په هر وزارت کي په لسګونو داسي سلاکاران موجود دي چي هر سلا کار ئي د میاشتي له شلو زرو څخه نیولي تر اویا زرو پوري معاش تر لاسه کوي، او زیاتره دغه راز سلاکاران بیا خپلي مشوري له کورنیو سلاکارانو او اهل کارو څخه تر لاسه کوي زمور هیله داده چي دغه بهرني مرستي چي په اصطلاح د کوهي خته په کوهي لګلو ته پاتي کیږي په ځای ولګیږي، زیر بنائي او تولیدي بنسټونه پري ورغول شي او د افغانستان د خلکو د غوښتني له مخي په داسي چارو مصرف شي چي هغه د هیواد د خلکو عاجلي اړتیاوي جوړوي.

دغه راز د سوداګرو په مالونو دشل فیصده مالیي وضع کول ددي لامل شوي چي زمور سوداګرو خپل زرګونو کانتینرونه مال په بهر کي ځنډولي او استدلال کوي چي د مالیي زیاتوالي د بیو د جګوالي سبب ګرځي او بار ئي ټول د افغانستان په مستهلکینو لویږي او د خلکو اقتصاد کمزوري کوي. له بلي خوا زمور په نظر دا کار به په هیواد کي چي اوس سخت پانګي اچولو ته محتاج دي ددي باعث شي چي بهرني او کورني سوداګر خپلي پانګي بهر ته وباسي او په هیواد کي بیا هم د کومي زیربنائي او اقتصادي پروژي بنسټ کښیښودل شي.

هیله من یوو د مالیي وزارت د خپل دغه تصمیم د عملي کولو په باب له کورنیو او بهرنیو اقتصاد پوهانو سره له سلا مشوري وروسته په کار لاس پوري کړي او داسي اقدام وکړي چي له خیر څخه ئي د تاوان اندازه ډیره نه وي.

وزیر امور زنان به جای اورشلیم پوست مجاهد را متهم به توطئه برضد ...

- با پاسخ آن به نشر برسانیم ولی به تقاضای یکی از مشاوران محترم وزارت امور زنان از این کار دست برداشتیم. تنها لازم می دانیم جهت تأکید بر بیهوده بودن اعتراض آنان بر مجاهد متن مصاحبهٔ خانم جلال در اورشلیم پوست را با ترجمهٔ آن در این جا بیاوریم "تا سیه روی شود هرکه در او غش باشد" و مردم بدانند آیا مجاهد بر خانم جلال تهمت بسته و بر ضد وی توطئه کرده است و یا خود وی با انجام چنین مصاحبه یی با یک روزنامهٔ اسرائیلی موجب چنین قضاوت هایی را فراهم ساخته است؟!

اگر خبرنگار اورشلیم پوست واقعاً این سخنان را به دروغ و جعل به خانم مسعوده جلال بسته است ایشان می توانند آن را تکذیب کنند، ما در نامهٔ ایشان تکذیبی به آنچه در این مصاحبه آمده است نیافتیم. این است به باورما راه معقول به جای دشنام دادن و نا سزا گفتن.

به هر حال این مردمند که دربارهٔ کار مجاهد و اتهام خانم جلال داوری خواهند کرد و اما آنچه که از این سخنان غیر مسؤولانهٔ او به به زیان سیمای اسلامی دولت افغانستان و حکومت آقای کرزی بر می گردد مسؤولان امور باید پی گیرند.

• • •

یک وزیر افغان از برقراری روابط با اسرائیل حمایت کرد

اورلی هالپرن

کابل

اورشلیم پوست

ساعت ۹:۰۵ چهار شنبه ۱۸ مه ۲۰۰۵

وزیری از کشوری که میزبان اسامه بن لادن بود از یهودیان امریکا به خاطر مساعدت های مالی شان اظهار امتنان می کند، و از برقراری روابط با اسرائیل و تشویق یهودیان افغان به سرمایه گذاری برای بازسازی افغانستان حمایت می نماید.

مسعوده جلال وزیر امور زنان طی مصاحبه یی با اورشلیم پوست گفت که "افغانستان از روابط با کشورهایی که با امریکا شریک و همکارند حمایت می کند و اسرائیل یکی از این کشور هاست."

اما دکتر عبدالله عبدالله وزیر امور خارجه گفت که آغاز روابط رسمی میان افغانستان و اسرائیل زمانی امکان پذیر است که یک صلح جامع و فراگیر در خاور میانه برقرار گردد.

مسعوده جلال، نخستین کاندیدای زن درانتخابات ریاست جمهوری در حالی که در دفتر کارش نشسته بود علاقهٔ خود در بارهٔ یهودیان امریکا را این گونه اظهار داشت: "یهودیان زیادی در ایالات متحدهٔ امریکا وجود دارند و امریکا بزرگ ترین کشور کمک کننده به افغانستان است. یهودیان امریکا چنان که من شنیده ام توانایی اقتصادی فراوانی دارند و امریکاییان طوری به افغانستان کمک می کنند که کسی به کودکش کمک می نماید. مردم افغانستان این مطلب را درک کرده اند. شاید قسمت بزرگ این کمک ها از یهودیان باشد. ما می دانیم که ایشان (یهودیان) بسیار کار می کنند تا پول به دست آرند و بعد پول شان را با ما تقسیم می کنند و آنها می خواهند که ما در صلح وخوشبختی زندگی نماییم، ما هیچ گاه این نیکی را فراموش نخواهیم کرد."

خانم جلال، ۴۲ سال عمر دارد و دکتر اطفال و مادر سه کودک است او زنان را در زمان ظلم رژیم طالبان به گونهٔ پنهانی کمک می کرد.

بعد از حملهٔ امریکا به افغانستان و سرنگونی رژیم طالبان، با کرزی بر سرپست ریاست جمهوری به رقابت پرداخت.

در زمان رژیم طالبان افغانستان درمیان کشورهای جهان در انزوا قرار گرفته بود، خانم جلال تصمیم دارد تا این وضع را تغییر دهد. او گفت: "اکنون قدرت در دست تحصیل کرده ها می باشد. و علاقه و گرایش آنها این است که در قبال اسرائیل بی طرفانه عمل نمایند."

وی افزود: "ما علاقه مند برگشت به جامعهٔ جهانی هستیم و به تمام کشورها احترام می گذاریم". این سخن بیانگر دورنمای روابط با اسرائیل است.

جلال گفت: "ما وعده سپرده ایم به عنوان دوستان خوب ایالات متحدهٔ امریکا و شرکای آن باقی بمانیم و اسرائیل یکی از این کشورهاست".

خانم جلال علاقه یی فراوان به جامعهٔ پیشین یهودیان افغانستان دارد ومی گوید: "چیزی را که من می فهمم، من وقتی در کتاب ها خواندم و دربارهٔ اقلیت های نژادی تحقیقات کردم من یک در صدی کوچک را دریافتم که یهودیان بودند و آنان در کابل یک قبرستان داشتند."

وی از این که یک یهودی تا هنوز در کشورش زندگی می کند اظهارخوش بینی کرد و گفت: "اگر شما وی را پیدا کردید لطفاً برایش بگویید که به دفتر من بیاید من می خواهم با وی ملاقات کنم."

خانم جلال اظهار امیدواری کرد که یهودیان افغان در بازسازی افغانستان سرمایه گذاری کنند و سهم بگیرند: "ما شرکای خوبی برای یهودیان افغان در زمینهٔ بازسازی و حفظ میراث های فرهنگی آنها خواهیم بود، وی افزود: "اگر یهودیان افغان دوباره به وطن برگردند این کار باعث تقویت اقتصاد ملی می گردد. این مسؤولیت ایشان است زیرا این با کشورشان است."

دکتر عبدالله دربارهٔ سرمایه گذاری یهودیان و برقراری روابط با اسرائیل بسیار محتاط برخورد می کند.

دکتر عبدالله در مصاحبه یی با این روزنامه در دفتر کارش دربارهٔ صلح با اسرائیل گفت: "من فکر می کنم، چرا نه (چرا صلح با اسرائیل صورت نگیرد) مگر شروطی وجود دارد، اگرصلح در خاورمیانه صورت بگیرد و توافقات بین دو کشور (فلسطین و اسرائیل) جامهٔ عمل بپوشد به عقیدهٔ من برقراری صلح روندعادی خود را خواهد پیمود."

در عین زمان او در رابطه به سرمایه گذاری یهودیان افغان که در خارج زندگی می کنند گفت: "این، یک مسألهٔ حساس است".

او از دیدارهای اسرائیلیان افغان از افغانستان اظهار نگرانی نکرد و گفت: "این کار صورت می پذیرد اما از لحاظ امنیتی مصون نیست."



تصویر و متن مصاحبه از سایت اورشلیم پوست بر گرفته شده است

Wednesday, May 18, 2005

AFGHAN MINISTER SUPPORTS ISRAEL TIES

By ORLY HALPERN
KABUL
The Jerusalem Post

A minister from the country that hosted Osama bin Laden has expressed thanks to American Jews for their economic support, support for ties with Israel and encouragement toward Afghan Jewish investment in rebuilding Afghanistan.

In an interview with The Jerusalem Post, Afghan Minister of Women's Affairs Massouda Jalal said that Afghanistan supported ties with "the countries in partnership with the US, and Israel is one of those countries."

But Foreign Minister Abdullah Abdullah told the Post that official relations between Afghanistan and Israel could start only following a comprehensive peace in the Middle East.

Sitting in her office, Jalal, Afghanistan's first female presidential candidate, expressed her gratitude to American Jews. "There are many Jews in the US and the US is our No. 1 helper," said Jalal. "The Jews in the US, as I have heard, have a lot of economic power. And the US is helping Afghanistan like they help their child. The people of Afghanistan realize that. Maybe a big part of [the help] comes from the Jewish people. We realize they are working hard in making money and they share money with us and they want us to live happily and peacefully. All this goodness we will never forget."

Jalal, a 42-year-old pediatrician and mother of three, covertly helped women during the oppressive Taliban regime. After the US invasion of Afghanistan and the removal of the Taliban, Jalal ran for president against Hamid Karzai.

During the reign of the Taliban, the country was ostracized by other countries in the world and Jalal plans to change that.

"Now the power is in the hands of the educated," she said, noting that Afghanistan's attitude towards Israel is "neutral."

"We are very interested in returning to the folds of the international community and be respectful of all different countries."

That could mean future relations with Israel. "We have promised to remain good friends to the US and the countries in partnership with the US, and Israel is one of those countries," said Jalal.

Jalal expressed great interest in the former Jewish community of Afghanistan. "What I know I read in the books when I was looking about minority ethnicities. I found a small percentage was Jewish. When I [did] research about them, I found out they had a cemetery in Kabul."

Upon hearing that one Jew still lives in the country she expressed great interest. "If you find him, please tell him to call my office. I want to meet him," she said.

Jalal hoped that Jewish Afghans would invest in the rebuilding of Afghanistan. "We can be good partners for Afghan Jews for rebuilding and preserving their cultural heritage," she said. "If the Afghan Jews come back and invest it will help the national economy. It is their responsibility because it is their country."

Abdullah was more cautious of Jewish investment and relations with Israel.

Peace with Israel? "I think: why not?" Abdullah told the Post in an interview from his office. But there are conditions. "If there is peace in the Middle East and a two-state solution is materialized I consider it would be normal."

In the meantime, he said that investment by Afghan-born Jews living abroad, "is a sensitive issue." He did not encourage visits by Israeli Afghans. "It is happening but it is not safe."

گفتند و ...

چند واقعهٔ دزدی مسلحانه و قتل، مصاحبه هایی هم با مسؤولان دولتی در پغمان داشت. آنها می گفتند که چند تن از دزدان را دستگیر و به مراجع امنیتی تسلیم دادند. آنها به بیست سال زندان محکوم شدند اما اکنون دیده می شود که بعد از مدت کوتاهی مجدداً آزاد شده و برسرکار سابق شان یعنی شغل پردرآمد دزدی بازگشته اند که اکنون برای دومین بار دستگیر شده اند!!

از مزایای نظام سرمایداری بی در و پیکر همین است که هر جنایت کاری با دادن پول می تواند از زندان مرخص گردد. کسی که ده تن هرویین قاچاق می کند، مصؤون است اما مقامات امنیتی قاچاقبران یک کیلو گرام و حتی کمتر از آن را دستگیر و عکس و مشخصاتش را از طریق مطبوعات به نشر می سپارند. آخر مقامات مسؤول هم باید نشان دهند که فعالیت دارند و در مقابل معاش حلال اخذ می کنند!!

تجلیل از روز معلم هنوز هم ادامه دارد!

بدون تردید مقام معلم بالاتر از آن است که با تجلیل در یک روز عظمت آن مقام را تجلیل کنیم اما باید این نکته را هم در نظر داشته باشیم که کودکان این وطن هم باید درس بخوانند و به نام تجلیل از روز معلم بیش از یک هفته وقت درس را صرف تجلیل از روز معلم نکنیم.

در بعضی از مکاتب معلمان از شاگران تقاضا کردند که در آن روز برای شان تحفه های گران قیمت بیاورند که این کار برای خانواده های مستعد شاید دشوار نباشد اما شاگردانی از خانواده های مستمند که متأسفانه اکثریت را تشکیل می دهند، احساس حقارت خواهند کرد.

در بعضی از مکاتب از شاگردان برای برگزاری مراسم تجلیل تقاضای پول شد. در گذشته شاگردان در روز معلم با دادن یک پوست کارت یا یک شاخهٔ گل از معلمان قدردانی می کردند که بسیار زیبا تر بود.

طالبان از مجددی صاحب تقاضای شغل چوکیداری کردند!

جناب مجددی صاحب در مقام ریاست کمیسیون صلح و تفاهم با مخالفان به موفقیت هایی دست یافته اند که واقعاً جالب است. یکی از دوستان از قول مجددی صاحب می گفت که ایشان فرموده اند بعضی از رهبران طالبان با ایشان در تماس گردیده و اظهار داشته اند نظر به اعتماد و احترامی که به جناب مجددی صاحب دارند، اگر جناب ایشان آنها را به شغل چوکیداری هم توظیف سازند، با کمال احترام خواهند پذیرفت و شب تا صبح یک لنگه چوکیداری خواهند کرد!!

مثل این که طالبان فهمیده اند در افغانستان دیگر جایی برای غیر متخصصان وجود ندارد و گمان می کنند چوکیداری به تخصص نیازمند نیست در حالی که در این مورد به راه خطا رفته اند. اگر برای چوکیداری تخصص ضروری نمی بود نیازی به آوردن چوکیداران متخصص از خارج کشور در جاهای بسیار حساس دیده نمی شد.

از عجایب کلی روزنامهٔ ملی انیس!

(شمارهٔ چهارشنبه ۴ جوزای ۸۴)

همنوا

روزنامهٔ ملی انیس به حیث قدیم ترین روزنامهٔ دولتی کشور بایست از وزن و اعتبار زیادی برخوردار باشد و مؤسسهٔ نشراتی انیس با داشتن افراد وکارمندان و وسایل وامکانات نسبتاً زیاد در مقایسه با سایر روزنامه ها و جراید - باید از هر لحاظ (انشاء، گزارش، خبر و...) بسیار ممتاز و برجسته باشد و افسوس که عکس آن در مورد این روزنامه صدق می کند و حتی سرمقاله های آن نیز از نظر انتخاب کلمات و ترکیب جملات، رسا و روان نیست!

شمارهٔ ۵۳ این روزنامه (چهارشنبه ۴ جوزای ۸۴) در پیش روی بنده قرار دارد و مهم ترین مطلب این شماره، "اعلامیهٔ مشترک ایالات متحدهٔ امریکا و افغانستان در مورد همکاری استراتژیک" است.

در این شماره - مانند سایر شماره های این روزنامه - عناوین و متن های عجیب به نشر رسیده است که فقط به چند مورد آن اشاره می شود:

۱- در صفحهٔ اول و در پیشانی روزنامه، خبر مدت زمان کمپاین رسمی انتخابات پارلمانی به صورت عنوان خبر _ هرچند نادرست - به نشر رسیده است ولی متن خبر چنین آغاز می یابد:

"دو تن که خود را ازمیان معیوبین و معلولین کشور برای انتخابات پارلمانی آینده کاندیدا نموده اند". این مبتدای بدون خبر در همین جا پایان می یابد و در سطر دیگر، گزارش آژانس باختر در مورد تجمع نمایندگان معیوبین و معلولین در تالار بین المللی مطبوعات، آغاز می گردد و فقط در قسمت اخیر و در یک جمله از قول سخنگوی دفتر مشترک تنظیم انتخابات، تیتر خبر تکرار شده است که:

"کمپاین رسمی انتخابات از تاریخ ۲۴ سرطان آغاز و الی ۲۵ سنبله ادامه خواهد یافت"!

۲- اعلامیهٔ مشترک یاد شده در صفحات اول و هفت به چاپ رسیده است در حالی که لازم بود با در نظر داشت اهمیت تاریخی آن در یک صفحه و در یک کادر و با حروف نسبتاً درشت چاپ می شد.

۳- در قسمت تحتانی صفحات ۴ و ۵ قسمت دوم داستان کوتاه زیر عنوان "اربابان جنگل می میرند" در ۱۹۴ سطر به نشر رسیده و از کلمات "ادامه دارد" در پایان آن، بر می آید که در شماره یا شماره های بعدی نیز ادامه خواهد یافت و چه داستان کوتاهی!! امان از داستان طولانی!

۴- در نیم صفحهٔ عمودی صفحهٔ ششم که به یک اعلان تبلیغاتی دفتر مشترک تنظیم انتخابات اختصاص یافته، دو ملاحظهٔ کلی وجود دارد:

الف - زمان این اعلان و فراخوان سپری شده است زیرا مدت ثبت نام را از تاریخ ۱۰ ثور الی ۲۹ ثور اعلام می دارد ولی در روزنامهٔ انیس مؤرخ ۴ جوزا به نشر رسیده است!!

ب - متن های دری و پشتو هرکدام دارای اشتباهاتی است و همچنین با یکدیگر همخوانی ندارند!

عنوان بخش پشتو چنین است:

کاندیدل دهیواد د سرنوشت به ټاکلو کي د برخي اخیستلو موقع!

و عنوان بخش دری:

کاندیدا شدن فرصتی است برای سهم گیری در تعیین آیندهٔ کشور!

در حالی که شایسته بود تا کلمهٔ "سرنوشت" که دری است دربخش دری به کار برده می شد زیرا در پشتو معادل آن "برخلیک" است.

همچنین در هر دو متن (د کاندیدانو نومونه ...) و (دکاندیدانو نوموني لپاره ...) و (برای نامزد شدن به حیث کاندید...) این اشتباه صورت گرفته است که "نوم لیکنه" و "ثبت نام یا نام نویسی" ذکر شده وبه جای آن کلمات هم معنی "کاندید و نومونه" و "نامزد و کاندید" به کار رفته است!

و در اخیر در بخش پشتو گفته شده که "... **غوښتنلیک پاني**... **تر لاسه کړي**" و در بخش دری آمده است که "... درخواست های تان را بسپارید"! یعنی در اولی گفته که "به دست بیاورید" و در دومی "بسپارید"!

گرچه این ایرادها متوجه دفتر مشترک تنظیم انتخابات است ولی به همه حال، انیس آن را به نشر سپرده است ومی توانست برای اصلاح متن به دفتر مذکور نظر و مشوره بدهد و حداقل از نشر بی موقع آن بپرهیزد و متاع تاریخ گذشته (ایکسپایر) را به مشتریان عرضه ننماید!

زندان کمونیستی در خاطره های ...

یا مرحلهٔ اختناق است که در این مرحله استنطاق و طی مراحل قانونی وجود نداشت، صرف بردن، بستن و زنده به گور کردن بود.

در اثر فشاری که از جانب ملت افغانستان و مجاهدین بر غلامان روس وارد گردید، این ها کمی به خود آمدند و مراحل زندان و تحقیق را سیستماتیک ساختند، تحقیق می کردند، صورت دعوا می ساختند و سارنوال در محکمه اقامهٔ دعوا می نمود اما تصمیم نهایی زندانیان توسط مشاوران روسی گرفته می شد، این مراحل در حقیقت به شکل سمبولیک وجود داشت در واقع اگر مشاوران روسی شخصی را به قید محکوم می نمودند زندانی می شد و اگر تصمیم به اعدامش می گرفتند اعدام می شد.

او خاطرهٔ خود در زندان صدارت را یاد نمود و گفت:

من مدتی در زندان صدارت به سر می بردم، برای زندانیان در این زندان در بیست و چهار ساعت یک بار اجازهٔ رفع حاجت داده می شد، و به خاطر این که زندانیان محتاج آنها باشند در مواد غذایی ما مواد مسهل می انداختند.

او ضمناً اشاره کرد که در زندان آن وقت غالباً کسانی به قتل می رسیدند که نفوذ دینی و نفوذ اجتماعی بیشتر داشتند، افراد رژیم زندانیان را طبقه بندی نموده بودند هرکسی که کمونیزم را خوب می شناخت باید کشته می شد و یا قید دوامدار می شد، وهم چنان با شواهد و اسنادی که مبین ارتباط شخص با جبهات می بود. شخص را محکوم به اعدام می نمودند، کمونیست ها در روزهای تاریخی و روزهایی که برای آنها اهمیت داشت تعداد بیشتری را اعدام می نمودند و آن روز را جشن می گرفتند یکی از خاطره های فراموش ناشدنی من روزی بود که تعدادی از زندانیان را به خاطر اعدام جمع کرده بودند. برادری که محصل زراعت بود هم در این میان موجود بود. از پنجرهٔ زندان با من در تماس شد و گفت که برای من یک جلد قرآن مجید بیار، من گفتم که فردا در ساعت تفریح برایت، می آرم، وقتی فردا دوباره به آنجا آمدم تا قرآن کریم را به او تسلیم نمایم دیدم که از آن زندانی ها اثری وجود نداشت وهمه را اعدام نموده بودند.

شاه ولی حق پرست، رئیس تفتیش و کنترل شورای عالی آزادگان نیز یکی از شاهدان زندان روزگار کمونیست ها می باشد که چنین اظهار نظر نمود:

تمام کسانی که به جرم اسلام و دین تحت بازداشت قرار می گرفتند به نام زندانی های سیاسی یاد می شدند و ما همه در همین ردیف قرار داشتیم.

ما وقتی که در سال ۱۳۶۱ از طرف کمونیست ها دستگیر و به صدارت برده شدیم، آنچه اعمال ناشایستهٔ خلاف انسانی بود، بر ما روا داشتند.

ما در اینجا ۱۸ ماه را سپری نمودیم که در این مدت عده یی از هم قطاران ما را به نام تحقیق می بردند که تا کنون از آنها اثری نیست و به گمان اغلب آنها را به طرف پولیگون ها می بردند و اعدام می نمودند آن عده از زندانیانی که از چنین اعدام ها با خبر بودند در روزهای مذهبی غسل می نمودند و چشم های خود را سرمه می کردند و منتظر می بودند که مزدوران رژیم بیایند و آنها را به کشتارگاه ببرند.

هم چنان آنها جاسوس های خود را درمیان زندانی ها می گماشتند تا تحقیق نمایند که چه کسی چه اندیشه یی دارد و در زندان چه سازماندهی وجود دارد، که بعد از آن عده یی باقی مانده به پلچرخی انتقال می یافتند و سرنوشت شان معلوم می شد که اعدام شوند یا خیر؟

غلام محمد مامور سروی ژئولوژی و معدن یکی دیگر از زندانیان آن وقت است که مدت هشت سال را در زندان پلچرخی سپری نموده است، او در مورد بیداد کمونیست ها در زندان می گوید:

در زمان تحقیق، ظلم و استبداد مسؤولان زندان کمونیست ها به اوج می رسید و به طور نمونه می توان گفت که پاهای ما را به پایه های صندلی می بستند و ما را در اتاق های نمناک به یک پا ایستاد می کردند، و با کورهٔ آهنگری بدن ما را می سوزاندند و می گفتند که هم ردیفان تان را نشان دهید، او یک واقعهٔ چشم دید خود را حکایت کرد و گفت:

یک زن مجاهد را از قلعهٔ قاضی آورده بودند و با ما یکجا از او تحقیق می نمودند، پسر این زن را به وضع بی رحمانه یی روی میز انداخته بودند و به این زن می گفتند که اگر اقرار نکنی و سلاح شوهرت را نشان ندهی فرزند تو را به قتل می رسانیم زیرا این چوچهٔ اشرار می باشد بگذار بمیرد.

ژنرال خیر محمد مسکین یار که در سال ۱۳۶۰ راهی زندان شده بود و حدود چهار سال را در زندان سپری نموده است می گفت:

ما از این که در راه خدا جهاد نمودیم و در همین راه دستگیر و به زندان رفتیم احساس عزت می کنیم.

او از ظلم بی حد مسؤولان زندان آن زمان یاد کرده گفت که ظلم و بیدادی که بر ما روا می داشتند کاملاً غیرانسانی بود از جمله این که تمام اندام های من همراه کاوهٔ آهنگری سوزانیده شده و به اندازه یی ما را لت و کوب می نمودند که حتی از هوش می رفتیم.

زندان آن زمان از وحشی ترین زندان های دنیا به شمار می رفت که بسیاری از مردم مسلمان و مجاهد افغانستان را به کام مرگ و نابودی کشانید. خوشبختانه که موفقیت مجاهدین افغانستان بر این بیداد خاتمه بخشید و عاملان آن را نابود و نظام آنها را از هم پاشید.

مولوی محمد شریف جویا معاون کمیسیون علما و روحانیون شورای عالی آزادگان نیز از جملهٔ زندان می باشد که چنین اظهار نمود: "تحولی همانند جریان سیاسی بعد از حادثهٔ هفتم ثور ۵۷ در کشوری مسلمان مانند افغانستان، پدیدهٔ غیر مجاز و غیر قابل قبول برای این ملت بود. گرچه عده یی از مردم ما خوشباورانه در اوایل از آن استقبال می نمودند ولی با گذشت زمان متوجه اشتباه خود شدند و خود را آهسته آهسته از آن دور ساختند تا به قیام ها و زندانی شدن و کشته شدن عده یی بزرگی از هموطنان ما گردید، تا بالآخره ملت مجاهد و مسلمان افغانستان، دشمنان خود و دین خود را به شکست مواجه ساختند و مجاهدین قهرمان به پیروزی رسید.

او وضعیت زندان آن وقت را چنین توصیف نمود:

هر لحظه یی از زندان آن وقت مرگ و خاطرهٔ شوم و فراموش ناشدنی می باشد.

این واقعه هرگز فراموش نخواهد شد که هزاران تن از برادران مسلمان و مجاهد ما را در مقابل چشمان ما راهی گورهای دسته جمعی می نمودند و ما هم منتظر آن بودیم که چه وقت نوبت به ما خواهد رسید، متأسفانه حقوق بشر امروزی بازهم مجاهدان را مجازات می کنند تا عاملان گورهای دسته جمعی را.

او افزود که دلیل مجازات زندانی ها توسط حاکمان کمونیست فقط مسلمان بودن بود چنان که هرکسی که راسخ تر و ثابت قدم تر معلوم می شد ابتدا آنها را به قتل می رسانیدند. کشته شدگان زندان کمونیست ها کسانی بودند که از وطن، حقوق انسانی و نوامیس ملی شان دفاع می نمودند و غلامان داخلی آنها به فرمان باداران خارجی شان این ها را به قتل می رسانیدند.

مردم باید رأی شان رابه پول ومتاع دنیا ...

معاش معلولان ما، شش دلار و معاش استادان وماموران ملکی ماکمتر ازشصت دلار می باشد،مجاهدین واقعی افغانستان درحال حاضر درخانه های خود بیکارمانده وازامکانات ابتدایی زندگی نیز برخوردار نمی باشند. این در حالی است که تعدادی دردستگاه حکومت ومؤسسات خارجی ازده هزار تا شصت هزار دلار ماهانه معاش می گیرند،لذابرای حل این مشکل باید معاش مشاوران خارجی وغرب سالاران قطع شود این پول ها به صورت عادلانه دربازسازی افغانستان وبهبود وضع زندگی مجاهدین، معلولان، معلمان، کارمندان دولت وسایر مردم ماتقسیم گردد.

وی با اشاره به سفرهای رئیس جمهور واعضای کابینه به کشورهای خارجی گفت : رئیس جمهور ما درآسمان هفتم زندگی دارد ودرد ملت را نمی تواند در ک کند . کرزی وکابینه اش به جای سفر به پاریس، امریکا وبروکسل و... به کوچه های گندیدهٔ کابل بایدسفر کنند وازمشکلات مردم خود آگاه گردند. بشردوست علاوه کرد که رئیس جمهور باید بداند که اویک تاجر نیست که درپشت پرده به معامله بپردازد هر سیاست مدار باید شفاف صحبت کند وهر تصمیمی را به مشورهٔ مردم خود اتخاذ نماید. بشردوست دربارهٔ برگشت برخی از شخصیت های جفاکار به صحنهٔ سیاست گفت: مردم کسانی را که به ملت جفا وجنایت کرده اند فراموش نخواهند کرد ودولت حق ندارد آنهارا باردیگر به صحنه برگرداند وبه قدرت برساند.نامبرده در پیرامون حیف ومیل کمک های جامعهٔ جهانی گفت : اگرپول های کمک شده به افغانستان صادقانه بین مردم توزیع می شد به هر نفر شهروند ما پنجاه هزار دلار می رسید درحالی که اکنون به هر نفردودلار هم نرسیده است. بنابراین کسانی که دراین حیف ومیل ها دست دارند باید محاکمه گردند . وی افزود : کسانی که در کابینه به عنوان متخصص ودکتر مشغول حیف ومیلند من آنان را بی سواد محض می دانم وآرزو دارم که کسانی باید در قدرت قراربگیرند که خادم ملت باشند و دروازهٔ شان به روی مردم باز باشد.

همچنان موصوف در اخیر سخنان خود به انتخابات پارلمانی واهمیت آرای مردم اشاره کرد وگفت: آرای شما امانت های الهی نزد شماست وآن را برای کسی بدهید که شایستهٔ آن باشد.

تعدیل قانون اساسی در مصر ...

به گفتهٔ خبرنگاران افرادي از این گروه که مي توانستند از حلقهٔ نیروهاي امنیتي فرار کنند بلافاصله مورد آزار طرفداران حزب حاکم که ناظر صحنه بودند قرار مي گرفتند.

در ماه جاری تاکنون بیش از ۸۰۰ عضو گروه اخوان المسلمین به خاطر اعتراض به این همه پرسی بازداشت شده اند گروه اخوان المسلمین، پرطرفدارترین گروه ناراضی در مصر، از فعالیت به عنوان یک حزب سیاسی منع شده است. این گروه در حال حاضر دارای ۱۷ عضو در پارلمان است که به عنوان نمایندهٔ مستقل به آن راه یافته اند. پلیس روز یکشنبه محمود عزت، دبیر کل اخوان المسلمین را دستگیر کرده بود. تصور می شود وی سرشناس ترین چهره یی باشد که از سال ۱۹۹۶ به این سو بازداشت می شود.

براساس قوانین جاری، رأی دهندگان تنها می توانند به یک نامزد که پارلمان معرفی کرده است رأی آری یا خیر دهند

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشهٔ خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد .
- آرا واندیشـــه هـــای مقـــالات غیـــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۱۰ | چهارشنبه ۱۱ جوزا ۱۳۸۴ | ۲۳ ربیع الثانی ۱۴۲۶ - | 1 June 2005

گفتند و شنیدیم!

ابوبکر سبزوار

تفاهم نامهء قلب!!

رئیس جمهمور کرزی پس از بازگشت از سفر امریکا و امضای تفاهم نامهء همکاری های دراز مدت استراتژیک با آن کشور، در کابل در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت نمود و در مورد تفاهم نامهء مذکور به پرسش های خبرنگاران پاسخ گفت.

هرچند حداقل در دو پاراگراف از این به اصطلاح تفاهم نامه لفظ موافقتنامه به کار رفته است اما کرزی تأکید داشت آنچه که وی امضا نموده فقط یک یادداشت تفاهم است یعنی آژانس های بین المللی دقت لازم را در تفکیک این دو معنی به عمل نیاورده و آن را موافقت نامه خوانده اند. معلوم نیست که چرا آقای کرزی با وجود این صراحت در خود متن، اصرار در تفاهم نامه بودن این سند دارد.

اما در پایان این کنفرانس مطبوعاتی آقای کرزی خطاب به خبرنگاران با لحن مخصوص به خودش گفت:

این تفاهم نامه را به دقت بخوانید. قلب تفاهم نامه است!!

به کار بردن اصطلاح (قلب) توسط جناب کرزی شاید به معنی دیگری به کار گرفته شده باشد اما در لغت این کلمه به معنی معکوس و سرچپه است. این که آقای کرزی تأکید دارد که این سند یک تفاهم نامه است و در متن لفظ موافقتنامه به کار رفته است نشان می دهد که ایشان واقعاً توافق نامهء(قلب) را امضا فرموده اند. مبارک باد بر ما که قلب رئیس جمهوز داریم که قلب کار ها می کند و قلب قلب گپ ها هم می زند!!

وزیر امور زنان به اسرائیل علاقه مند است!

وزیر صاحبه امور زنان با روزنامهء یورشلیم پوست چاپ اسرائیل مصاحبه یی انجام داده و در آن مقادیر هنگفتی در فشانده اند! در این کشور بی در و پیکر که هنوز تفکیک وظایف میان مناصب دولتی مشخص نیست، فتواهای سیاه سرهای کرسی وزارت نشین جای خاص خود را دارد!

قبل بر این خانم بلخی در سفر ایران فتوا دادند که شهید، کمونیست و مسلمان ندارد و اکنون خانم مسعوده جلال فرموده اند که یهودیان زحمتکش به بازسازی افغانستان کمک می کنند و علاوه فرموده اند که افغانستان متعهد است تا با امریکا و کشور های دوست امریکا دوست باشد و اسرائیل از آن جمله کشور هاست.

می دانیم که در شرایط فعلی داشتن رابطهء شخصی با اسرائیل می تواند ضامن بقای کرسی و مقام باشد و رسیدن خانم جلال از پوست ترجمانی یک مؤسسهء غیردولتی تا کاندیدا شدن در انتخابات ریاست جمهوری و سرانجام رسیدن به منصب وزارت تصادفی نیست اما خانم جلال با معیار های دوستی افغانستان در دوران رژیم کمونیستی با اتحاد شوروی واقمارش دوستی های امروز را ارزیابی می فرمایند که در آن روزگار رژیم کمونیستی همه کشور های اقمار شوروی را برادر می دانست که این اشتباه است.

وزیره صاحبه باید توجه داشته باشند که تصادفا وزیر کابینهء دولت افغانستان اند. در این کشور اگر مردی با مرد دیگری همکار و دوست سفر و حضر باشد، با خانم دوست عین رابطه را ندارد. را بطه با اسرائیل نیز چنین است.

آرزوی ما از آقای کرزی این است که مانند آقای جلال در برابر سخنان غیر مسئولانهء مسعوده جان سکوت پیشه نکنند؛ زیرا این سخنان وی موقف دولت آقای کرزی را به عنوان جمهوری اسلامی زیر سؤال می برد.

بیست سال حکم زندان و بیست روز زندانی شدن!

برکات نظام سرمایه داری در کشور ما یکی دوتا نیست که برشمرده شود. به اصطلاح هردم از این باغ بری می رسد!

چند شب قبل تلویزیون طلوع ضمن اعلام خبر ص ۶

تعدیل قانون اساسی مصر به همه پرسی گذاشته شد

مقامات مصری می گویند که در همه پرسی روز چهارشنبه براي تغییر قانون اساسي این کشور در زمینهٔ انتخابات ریاست جمهوري ۸۳ درصد از مردم رأی "آری" داده اند.

به موجب قانون اساسي فعلي در انتخابات ریاست جمهوري این کشور فقط یک نفر مي تواند نامزد بشود. اما با این همه پرسی امکان شرکت بیش از یک نفر در انتخابات ریاست جمهوری ممکن می شود.

با این همه تنها نیمی از کسانی که حق رأی داشته اند در این همه پرسی شرکت کرده اند. مردم مصر به طور سنتی از شرکت در رأی گیری ها کناره می گیرند زیرا فکر می کنند که چیزی را عوض نخواهند کرد.

کارمندان دولت با موتر به حوزه هاي رأي گیري آورده شدند اما به جز این حوزه ها، سایر حوزه ها خلوت و خالي بود. احزاب مخالف از جمله اخوان المسلمین شرکت در این رفراندم را تحریم کرده و آن را فقط نمایشي دانستند. بعضي گروه هاي فعال که دست به تظاهرات اعتراض آمیز زده بودند مورد تهاجم افراد وابسته به حزب حاکم قرار گرفتند. مخالفان مي گویند: تغییرات پیشنهادي، محدودیت هایي ایجاد کرده است که راه را فقط براي تداوم حکومت فعلي هموار مي کند و تنها قصدش تخفیف فشارهاي آمریکا براي استقرار دموکراسي در مصر است.براساس تغییرات پیشنهادی تازه در قانون انتخابات، احزاب سیاسی تنها در صورتی قادر به معرفی نامزد هستند که دست کم پنج سال از عمر آنها گذشته باشد. به علاوه نامزدهای مستقل در انتخابات ریاست جمهوری باید از حمایت دست کم ۶۵ نفر از ۴۴۴عضو پارلمان برخوردار باشند، این درحالی است که ۹۰ درصد اعضای پارلمان مصر وابسته به حزب دموکراتیک ملی به رهبری حسنی مبارک هستند. دولت مدعي است تغییرات پیشنهادي به شکلي ارائه شده که تنها افرادي که جدي هستند قدم پیش بگذارند و کسي فقط به دلیل داشتن پول نامزد ریاست جمهوري نشود.

حسني مبارک، رئیس جمهور ۷۷ سالهٔ مصر که بیش از ۲۵ سال است در مسند ریاست جمهوری تکیه زده است، امیدوار است در ماه سپتامبر بتواند براي پنجمین دورهٔ شش ساله به ریاست جمهوري انتخاب شود. حزب حاکم تابلوها و اعلامیه هاي بزرگي در تمام کشور نصب کرده که در آنها آمده است: "آري به مبارک، آري به آزادي."

شماری پایاني از مقامات حزبي از طریق تلویزیون ها از مردم دعوت مي کردند که به پاي صندوق هاي رأي بروند. بعضي رأي دهنده ها این فرصت را براي آغاز روند دموکراسي مغتنم مي دانند.

اما مخالفان که غالباً حق استفاده از رادیو تلویزیون دولتي براي اعلام نظریات شان را ندارند رفراندم را تحریم کرده اند.

نیروهاي انتظامي یک گروه پنجاه نفری از فعالان جنبش کفایه را که ائتلافي از گروه هاي مخالف اعم از نیروهاي چپ، ملي و اسلامي است از انجام تظاهرات در برابر دادگاه عالي مصر ممنوع کردند و اجتماع کوچک آنها را در بخش دیگري از قاهره با خشونت سرکوب کردند. ص۷

دکتر رمضان بشردوست با جمعی از شهریان کابل:

مردم باید رای شان رابه پول ومتاع دنیا مفروشند

دکتر رمضان بشردوست وزیرپیشین پلان افغانستان پس از ظهر روز جمعه ۶ جوزای سال جاری، برای جمع کثیری از شهروندان کابل درپارک شهرنو درپیرامون مسایل حاد ومهم کشور سخنرانی کرد.

نامبرده به مسؤولیت ها و وظایف مردم در مقطع حساس کنونی کشور اشاره کرد وگفت: اگر مادر این برههٔ سرنوشت ساز وتاریخی مسؤولیت خود را دربرابر ملت وکشور انجام ندهیم ، در پیشگاه خدا ونسل آیندهٔ افغانستان شرمسار خواهیم بود. اوگفت که مردم ما می توانند دولت وجامعهٔ بین المللی را وادارند تاکمک ها رابه نفع مردم مصرف نمایند. بشردوست دربخشی ازسخنانش حضور وکارکردهای منفی نیروهای خارجی در افغانستان رابه بادانتقاد گرفت وگفت: نیروهای خارجی نباید عملیات خودسرانه کنند وبه آبروی مردم بازی نمایند، مردم مامخالف کارهای مثبت خارجی هانیستند اما هر کشوری که می خواهد درافغانستان کارکند، باید قوانین، آداب، فرهنگ و منافع ملی کشور ما را درنظر بگیرد.

اودر قسمتی دیگرازاظهاراتش به نابه سامانی های موجود دردستگاه حکومت تماس گرفت وافزود : امروز کشور مادردام مافیا افتاده است. حق اولویت استخدام به کارگران افغانستانی داده نمی شود، دفترهای خارجی وانجوها پول های مساعدت شده به مردم افغانستان را می دزدند ص ۷

پـه کابل کي د ائتلاف د ځواکونو په قوماندانـي کي چاودنه

د آزادي راديـو پـه ويـنـا پـه کابـل کـي د نـاټو پـه مشـري د ائتلافـي ځواکونـو پـه قوماندانـي کـي چاودنـه وشـوه د نومـوړو ځواکونـو ويانـد دغـه خبر تائيـد کـړي خو د مرګ ژوبلي پـه بـاب او دا چـي ددي چـاودني لامـل څـه و څـه نـه دي ويـل شـوي بلخـوا د پوليسـو يـوه کـارکونکي ويلـي دي چي دغـه چاودنـه دننـه پـه قومانـداني کـي ديـوه توغنـدي د لګيـدو پرمهـال ترسـره شـوه. د يـادوني ور ده چـي نـاټو پـه کابـل کـي داتـو زرو سـرتيرو ځـواک لـري او د ژمـي لـه تيريـدو سـره سـم د طالبـانو پـه فعـاليتونو کـي زياتوالي راغلي دي.

پـه کندهار کي د علما د شورا مشر ووژل شو

د کورنيـو سرچينو پـه وينـا پـه کندهار کـي د علمـا د شـورا رئـيس مولـوي عبـد الله فيـاض د وسـله والـو کسـانو لخـوا د کنـدهار د عيـدګاه دروازي تـه څيرمـه پـه هغـه ځـاي کـي چـي پـه ولسمشر کرزي باندي بريد شوي و ووژل شو

نومـوړي پـه کنـدهار کـي د علمـاو د شـورا رئـيس و او پـه دي وروسـتيو کـي ئـي د شـلو ولايتونـو د علمـاو پـه بلنـه د يـوي فتـوا پـه تـرڅ کـي د ولسمشـر کـرزي تائيـد او ملاتـړ او د مـلا عمـر د فتـوا دنـه منلـو پريکـړه کـړي وه. خبـر زيـاتوي چـي د پيښـي پـه تـور امنيتـي چـارواکو لـه پنځوسـو زيـات شـکمن کسـان نيـولي او پلټنـي روانـي دي خـو اصـلي بريـد کـوونکي لاتـر اوسه نه دي نيول شوي.

وروسـتي ريـپوټ وائـي چـي دده د وژنـي مسئوليت طالبانو په غاړه اخيستي

خانواده پت تیلمن، ارتش آمریکا را به دروغگویی متهم کرد

والدین یک فوتبالیست آمریکایی که در جنگ در افغانستان کشته شد، ارتش آمریکا را به "دروغگویی" در مورد چگونگی مرگ او متهم کرده اند

پت تیلمن فوتبالیست آمریکایی، یک قرارداد سودآور را بعد از حملات یازدهم سپتامبر رها کرد و به نیروهای ویژهٔ آمریکایی در افغانستان پیوست. او سال گذشته به صورت تصادفی توسط سربازان هم قطارش کشته شد. ارتش آمریکا گفته بود که پت تیلمن، "همانند یک قهرمان در نبرد با دشمن کشته شده است".

تا چند هفته بعد از برگزاری مراسم یادبود آقای تیلمن، در مورد چگونگی کشته شدن او به خانواده اش چیزی گفته نشده بود.

تحقیقات ارتش آمریکا در اوایل ماه می فاش کرد که مقامات نظامی، این اطلاعات را عمداً ارائه نکرده اند و شواهد مربوط به مرگ پت تیلمن را از بین برده اند.

در زمانی که تردیدها در بارهٔ جنگ های خارجی این کشور رو به گسترش است، قضیهٔ آقای تیلمن، برای واشنگتن شرم آور است.